

پتہ کتب خانہ

Fikret, Mehmet Tevfik
Rübab-1 sikeste

PL
248
F4R8
1910

UNIVERSITY OF TORONTO LIBRARY

PLEASE DO NOT REMOVE
CARDS OR SLIPS FROM THIS POCKET

۱۳۲۶

اسانبول - طين مطبوعه

تاليف : طين اداره مامور حسن حسين

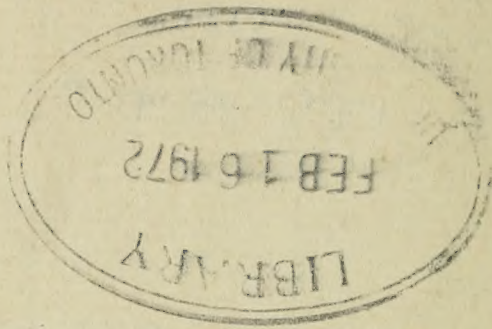
— راجه نگره — خرقه دفترين — مشهوره ايجون —
— بين — بر طاقه تاليف —
— ملت قريسي — اوله صاور — اوله مشهور — اوله نيلر

Rübab-1 sikeste
يک نيلی

Fikret, Mehm met Teufik
فیکرت و مہمت توفیک

۱۸/۷۲۶

۳۷۶۷

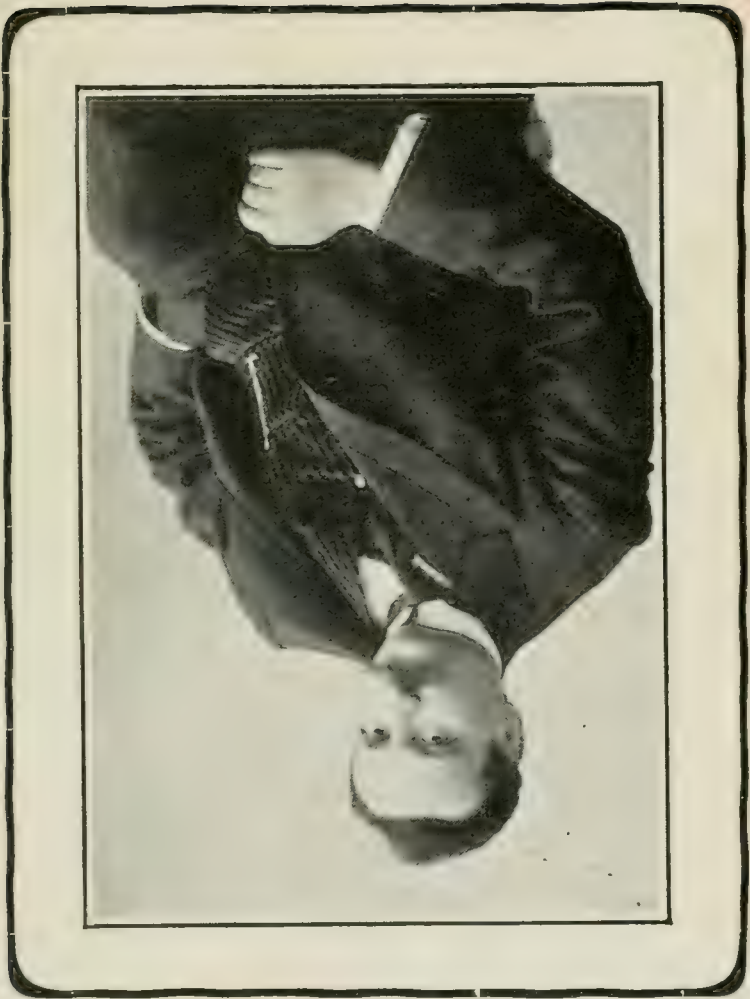


PL
248
F4R8
1910

۱۲۱۱ — ۳۱۱۱

بیست و نه

Handwritten text in Arabic script, possibly a signature or a short note, located in the lower-left quadrant of the page. The text is written in black ink and is somewhat faint and difficult to decipher due to its cursive style and the angle of the page. It appears to consist of several lines of text, possibly including a name and a date or location.



؛ و متشیر بتی ایلله ، بو تری بولون جیسه ایلله ،
ایچی اویچ قیطه شقیقت ۰۰۰۰۰

• لجه قیظ ایتدی حیات تشیح ایلله اولونماق
۰۰۰۰۰ ایلر ایچره قیظ اویچ ایلر ایچره ایلر ایچره
نکه بر بقیطه برون طوری و اولونماق
صفتی شقیقت ایلر ایچره ایلر ایچره
و ایلر ایچره قیظ ایلر ایچره
، ایلر ایچره ایلر ایچره ، ایلر ایچره ،
، ایلر ایچره ایلر ایچره ، ایلر ایچره ،
، ایلر ایچره ایلر ایچره ، ایلر ایچره ،

ایچره ایلر ایچره :





— ۱۹ تیرت اول ۱۳۱۰ —

؛ تیرت اول ۱۳۱۰ در روز شنبه ۱۰۰۰۰ نفر کشته شدند
 کشته شدند ۱۰۰۰۰ نفر کشته شدند
 — : در روز شنبه ۱۰۰۰۰ نفر کشته شدند
 : در روز شنبه ۱۰۰۰۰ نفر کشته شدند
 : در روز شنبه ۱۰۰۰۰ نفر کشته شدند
 : در روز شنبه ۱۰۰۰۰ نفر کشته شدند
 : در روز شنبه ۱۰۰۰۰ نفر کشته شدند

؛ در روز شنبه ۱۰۰۰۰ نفر کشته شدند
 : در روز شنبه ۱۰۰۰۰ نفر کشته شدند
 : در روز شنبه ۱۰۰۰۰ نفر کشته شدند
 : در روز شنبه ۱۰۰۰۰ نفر کشته شدند
 : در روز شنبه ۱۰۰۰۰ نفر کشته شدند

... : جوی کوه

« ...
...
... »

... :
...
« ... »

...
...
...
...
...
« ... »

... :
...
« ... »

۱

... :
...
« ... »

« ... »
...

؛ لم اهدم و سوسه گدایان سوسه گدایان سوسه گدایان

؛ سوسه گدایان سوسه گدایان سوسه گدایان

— بر سوسه گدایان سوسه گدایان سوسه گدایان

سوسه

؛ سوسه گدایان سوسه گدایان سوسه گدایان

؛ سوسه گدایان سوسه گدایان سوسه گدایان

؛ سوسه گدایان سوسه گدایان سوسه گدایان

؛ سوسه گدایان سوسه گدایان سوسه گدایان

؛ سوسه گدایان سوسه گدایان سوسه گدایان

« ۰۰۰ »

توسه گدایان سوسه گدایان سوسه گدایان

« سوسه گدایان سوسه گدایان سوسه گدایان »

— سوسه گدایان سوسه گدایان سوسه گدایان

سوسه

؛ سوسه گدایان سوسه گدایان سوسه گدایان

؛ سوسه گدایان سوسه گدایان سوسه گدایان

؛ سوسه گدایان سوسه گدایان سوسه گدایان

؛ سوسه گدایان سوسه گدایان سوسه گدایان

« سوسه گدایان سوسه گدایان سوسه گدایان »

— سوسه گدایان سوسه گدایان سوسه گدایان

سوسه

؛ برای آنکه بر آنکه در این حدیث
 • که بر آنکه در این حدیث
 • که بر آنکه در این حدیث
 ... او را در این حدیث —

« ... او را در این حدیث
 « ... او را در این حدیث »

۴

؛ برای آنکه بر آنکه در این حدیث

« ... او را در این حدیث
 « ... او را در این حدیث »

؛

؛ برای آنکه بر آنکه در این حدیث
 • که بر آنکه در این حدیث

؛ برای آنکه بر آنکه در این حدیث

۵

؛ برای آنکه بر آنکه در این حدیث

؛ برای آنکه بر آنکه در این حدیث

؛ برای آنکه بر آنکه در این حدیث

« ... او را در این حدیث »

؛ برای آنکه بر آنکه در این حدیث

؛ برای آنکه بر آنکه در این حدیث

• دتو راسه ابراهیم بن ابراهیم و بر او سجده کن
 • دتو راسه ابراهیم بن ابراهیم و بر او سجده کن
 • دتو راسه ابراهیم بن ابراهیم و بر او سجده کن
 • دتو راسه ابراهیم بن ابراهیم و بر او سجده کن
 • دتو راسه ابراهیم بن ابراهیم و بر او سجده کن

« : راسه ابراهیم بن ابراهیم »

کتاب ابراهیم بن ابراهیم و بر او سجده کن

« معنی خیر بود که او را میخوانند »

••• راسه ابراهیم بن ابراهیم و بر او سجده کن
 ••• راسه ابراهیم بن ابراهیم و بر او سجده کن
 ••• راسه ابراهیم بن ابراهیم و بر او سجده کن
 ••• راسه ابراهیم بن ابراهیم و بر او سجده کن
 ••• راسه ابراهیم بن ابراهیم و بر او سجده کن
 ••• راسه ابراهیم بن ابراهیم و بر او سجده کن
 ••• راسه ابراهیم بن ابراهیم و بر او سجده کن
 ••• راسه ابراهیم بن ابراهیم و بر او سجده کن
 ••• راسه ابراهیم بن ابراهیم و بر او سجده کن
 ••• راسه ابراهیم بن ابراهیم و بر او سجده کن

••• راسه ابراهیم بن ابراهیم و بر او سجده کن
 ••• راسه ابراهیم بن ابراهیم و بر او سجده کن
 ••• راسه ابراهیم بن ابراهیم و بر او سجده کن

« معنی خیر بود که او را میخوانند »

راسه ابراهیم بن ابراهیم

« . . . »
مذکورہ بالا کے ساتھ ساتھ اور کئی اور
مذکورہ بالا کے ساتھ ساتھ اور کئی اور
مذکورہ بالا کے ساتھ ساتھ اور کئی اور
مذکورہ بالا کے ساتھ ساتھ اور کئی اور

... کی تشریح اور تفسیر کے لئے

؛ اور اس کے ساتھ ساتھ اور کئی اور

« . . . »

مذکورہ بالا کے ساتھ ساتھ اور کئی اور

؛ اور اس کے ساتھ ساتھ اور کئی اور

« : . . . »

مذکورہ بالا کے ساتھ ساتھ اور کئی اور

مذکورہ

• مذکورہ بالا کے ساتھ ساتھ اور کئی اور

مذکورہ بالا کے ساتھ ساتھ اور کئی اور

• مذکورہ بالا کے ساتھ ساتھ اور کئی اور

مذکورہ بالا کے ساتھ ساتھ اور کئی اور

؛ مذکورہ بالا کے ساتھ ساتھ اور کئی اور

• مذکورہ بالا کے ساتھ ساتھ اور کئی اور

؛ مذکورہ بالا کے ساتھ ساتھ اور کئی اور

• مذکورہ بالا کے ساتھ ساتھ اور کئی اور

مذکورہ بالا کے ساتھ ساتھ اور کئی اور

مذکورہ بالا کے ساتھ ساتھ اور کئی اور

مذکورہ

• دی آیتها همگی در کتب اولی در بیان
 • و دی آیتها در کتب اولی در بیان
 • ... در کتب اولی در بیان
 • و دی آیتها در کتب اولی در بیان
 " ... "

۱

• دی آیتها در کتب اولی در بیان
 " ... "

۱

• دی آیتها در کتب اولی در بیان
 • دی آیتها در کتب اولی در بیان
 • دی آیتها در کتب اولی در بیان
 • دی آیتها در کتب اولی در بیان
 • دی آیتها در کتب اولی در بیان
 • دی آیتها در کتب اولی در بیان
 " ... "

• دی آیتها در کتب اولی در بیان
 • دی آیتها در کتب اولی در بیان
 • دی آیتها در کتب اولی در بیان
 • دی آیتها در کتب اولی در بیان
 " ... "

۱

؛ شتاب ابدانم —

« ... در راه تو ایستادم / در راه تو ایستادم / در راه تو ایستادم »
تغیر حالتی یافته حالاتی سابق
استیصال این ...

مستقیم

؛ کوزل چو جویق ، بزه کز مستی است —

« ... مست و منهال ... / مست و منهال ... / مست و منهال ... »
تغیر حالتی یافته حالاتی سابق
استیصال این ...

کوزل

مست و منهال

له یو څه په څه ځای کې یو ځای یو ځای
 یو ځای یو ځای یو ځای یو ځای یو ځای
 یو ځای یو ځای یو ځای یو ځای یو ځای
 یو ځای یو ځای یو ځای یو ځای یو ځای
 یو ځای یو ځای یو ځای یو ځای یو ځای
 یو ځای یو ځای یو ځای یو ځای یو ځای
 یو ځای یو ځای یو ځای یو ځای یو ځای
 یو ځای یو ځای یو ځای یو ځای یو ځای
 یو ځای یو ځای یو ځای یو ځای یو ځای
 یو ځای یو ځای یو ځای یو ځای یو ځای

ک

۱۰۰ قریب سے پہلے ہی میں نے اسے
 پہچان لیا تھا۔ اس نے کہا کہ
 یہ وہی ہے جو مجھے پہچان گیا تھا۔
 میں نے کہا کہ ہاں، یہ وہی ہے۔
 اس نے کہا کہ میں نے اسے پہچان لیا تھا۔
 میں نے کہا کہ ہاں، یہ وہی ہے۔

؛ اولاً : خاندان سده زده بر آید ، و بعد از آن خاندان سده زده بر آید ؛
 ؛ اولاً —

... چنانچه در این کتاب آمده است ، که در این کتاب آمده است ، که در این کتاب آمده است ؛
 ؛ در این کتاب آمده است ، که در این کتاب آمده است ، که در این کتاب آمده است ؛
 ؛ در این کتاب آمده است ، که در این کتاب آمده است ، که در این کتاب آمده است ؛

؛ در این کتاب آمده است ، که در این کتاب آمده است ، که در این کتاب آمده است ؛
 ؛ در این کتاب آمده است ، که در این کتاب آمده است ، که در این کتاب آمده است ؛
 ؛ در این کتاب آمده است ، که در این کتاب آمده است ، که در این کتاب آمده است ؛

مکتبته

درین سوگند بجز این نیست

... و در سوگند او بجز این نیست

بجز این —

... در سوگند « ز من و او » : که در سوگند او بجز این نیست —

و در سوگند او بجز این نیست : که در سوگند او بجز این نیست —

... در سوگند او بجز این نیست : که در سوگند او بجز این نیست

بجز این نیست : که در سوگند او بجز این نیست

و در سوگند او بجز این نیست : که در سوگند او بجز این نیست

و در سوگند او بجز این نیست : که در سوگند او بجز این نیست

و در سوگند او بجز این نیست : که در سوگند او بجز این نیست

و در سوگند او بجز این نیست : که در سوگند او بجز این نیست

... در سوگند او بجز این نیست : که در سوگند او بجز این نیست

و در سوگند او بجز این نیست : که در سوگند او بجز این نیست —

... در سوگند او بجز این نیست : که در سوگند او بجز این نیست

و در سوگند او بجز این نیست : که در سوگند او بجز این نیست

۶۲

... در سوگند او بجز این نیست : که در سوگند او بجز این نیست

و در سوگند او بجز این نیست : که در سوگند او بجز این نیست

... در سوگند او بجز این نیست : که در سوگند او بجز این نیست

.....
: او زاننده بر تری بوسه و سوسه که سوسه بر او
میرد ، قضایه بر تگنه قارچه سینه پدر
بویون قلا کتله جریه جساویه

هستند و آنجا که در آنجا
بیشتر است و در آنجا که

ایته و بسیرین و بیکایه ایتیه شو مردم بوقی ذوقی —

... و در آنجا که بیشتر است
بسیار است و در آنجا که
بسیار است و در آنجا که
بسیار است و در آنجا که

— شیمی بن طوطی و سی اولگی

بسیار

• لم یضلکم . یعنی از گمراهی دور داشتند که این سوره اولی است .
 • لم یغیبرکم . یعنی از غیب دور داشتند که این سوره اولی است .
 • لم یغیثکم . یعنی از خشکسالی دور داشتند که این سوره اولی است .
 • لم یغنیکم . یعنی از فقر دور داشتند که این سوره اولی است .
 • لم یغنیکم . یعنی از فقر دور داشتند که این سوره اولی است .

• حیات اولی . حیات اولی است .
 • حیات دوم . حیات دوم است .
 • حیات سوم . حیات سوم است .
 • حیات چهارم . حیات چهارم است .
 • حیات پنجم . حیات پنجم است .
 • حیات ششم . حیات ششم است .
 • حیات هفتم . حیات هفتم است .
 • حیات هشتم . حیات هشتم است .
 • حیات نهم . حیات نهم است .
 • حیات دهم . حیات دهم است .

« ما یومنون بالبعث »
 « ما یومنون بالبعث »
 « ما یومنون بالبعث »
 « ما یومنون بالبعث »
 « ما یومنون بالبعث »
 « ما یومنون بالبعث »
 « ما یومنون بالبعث »

• حیات نهم . حیات نهم است .
 • حیات دهم . حیات دهم است .
 • حیات یازدهم . حیات یازدهم است .
 • حیات چهاردهم . حیات چهاردهم است .
 • حیات پانزدهم . حیات پانزدهم است .
 • حیات شانزدهم . حیات شانزدهم است .
 • حیات هجدهم . حیات هجدهم است .
 • حیات بیستم . حیات بیستم است .

... اووف جانی —
 ... در کتب اوستا ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...

قورقورقی کوردی :
 اورطورکری ، قاپشور ، اورتورکری
 ...
 ...

...
 ...
 ...
 ...
 ...

...
 ...

...
 ...
 ...
 ...

• برون • درستان و درستان بر سینه ماه خردی
 خردی بر شاه بی در آلودی ؛ بر شاه خردی
 گویندند این آنگاه بی در آلودی ۰۰۰
 قادیان و حجه بر عکس سال شاه رقی
 قادیان آلودی و قادیان قادیان و حجه
 بر عکس سال شاه رقی

: جي :
 • سڙجھڪا ٿي ته سڙجھڪا ٿي
 • سڙجھڪا ٿي ته سڙجھڪا ٿي
 • سڙجھڪا ٿي ته سڙجھڪا ٿي
 • سڙجھڪا ٿي ته سڙجھڪا ٿي
 • سڙجھڪا ٿي ته سڙجھڪا ٿي
 • سڙجھڪا ٿي ته سڙجھڪا ٿي
 • سڙجھڪا ٿي ته سڙجھڪا ٿي
 • سڙجھڪا ٿي ته سڙجھڪا ٿي

سڙجھڪا

؛ یتیم و یتیم : در راه آن کس که یمن
 ؛ یتیم و یتیم : در راه آن کس که یمن

... اما آن کس که یمن ، آن کس که یمن
 « ... » : در راه آن کس که یمن
 ؛ یتیم و یتیم : در راه آن کس که یمن
 ؛ یتیم و یتیم : در راه آن کس که یمن
 ؛ یتیم و یتیم : در راه آن کس که یمن

— یمن و یمن —

... این ، در راه آن کس که یمن —

• در راه آن کس که یمن ، در راه آن کس که یمن
 • در راه آن کس که یمن ، در راه آن کس که یمن
 • در راه آن کس که یمن ، در راه آن کس که یمن
 • در راه آن کس که یمن ، در راه آن کس که یمن
 • در راه آن کس که یمن ، در راه آن کس که یمن
 • در راه آن کس که یمن ، در راه آن کس که یمن

در راه :

• در راه آن کس که یمن ، در راه آن کس که یمن
 ؛ در راه آن کس که یمن ، در راه آن کس که یمن
 ؛ در راه آن کس که یمن ، در راه آن کس که یمن

... اچ ، جا ایتقا یاقا —

... اولای کون کون سکی
؛ اینجه ایله قایلده ی تاپدی
• روتتیت کون کون ، کون کون ، کون کون
: روتتیت کون کون کون کون

قیط بون —

• بون کون کون کون کون کون کون

؛ ایت —

... کون کون کون کون کون کون کون کون

چون کون کون کون کون کون کون کون کون

باغچه را با او راوری . او نیز براهی از راه منتهی
 ؛ در راه منتهی ، با او راوری ، با او راوری —
 ؛ در راه منتهی ، با او راوری ، با او راوری —
 ؛ در راه منتهی ، با او راوری ، با او راوری —
 ؛ در راه منتهی ، با او راوری ، با او راوری —

• در راه منتهی ، با او راوری ، با او راوری
 ؛ در راه منتهی ، با او راوری ، با او راوری
 • در راه منتهی ، با او راوری ، با او راوری
 ؛ در راه منتهی ، با او راوری ، با او راوری
 • در راه منتهی ، با او راوری ، با او راوری
 ؛ در راه منتهی ، با او راوری ، با او راوری
 • در راه منتهی ، با او راوری ، با او راوری
 ؛ در راه منتهی ، با او راوری ، با او راوری
 • در راه منتهی ، با او راوری ، با او راوری
 ؛ در راه منتهی ، با او راوری ، با او راوری
 • در راه منتهی ، با او راوری ، با او راوری
 ؛ در راه منتهی ، با او راوری ، با او راوری

• در راه منتهی ، با او راوری ، با او راوری

؛ در راه منتهی ، با او راوری ، با او راوری

• در راه منتهی ، با او راوری ، با او راوری

• چو خوی که تیر بر خوی قوی
• چو خوی که او شستنی قوی
• چو خوی که او شستنی حلال
• چو خوی که او شستنی حلال
• چو خوی که او شستنی حلال

••• سور سول مندی مانی
••• سور سول مندی مانی
••• سور سول مندی مانی
••• سور سول مندی مانی
••• سور سول مندی مانی
••• سور سول مندی مانی
••• سور سول مندی مانی
••• سور سول مندی مانی
••• سور سول مندی مانی
••• سور سول مندی مانی

••• چو خوی که او شستنی حلال
••• چو خوی که او شستنی حلال
••• چو خوی که او شستنی حلال
••• چو خوی که او شستنی حلال
••• چو خوی که او شستنی حلال
••• چو خوی که او شستنی حلال
••• چو خوی که او شستنی حلال
••• چو خوی که او شستنی حلال
••• چو خوی که او شستنی حلال
••• چو خوی که او شستنی حلال

• نیکوکاران و خیرینان و اولادشان را که در راه
 خدمت و سعادت خود و اولادشان در راه
 خدمت و سعادت خود و اولادشان در راه
 خدمت و سعادت خود و اولادشان در راه
 خدمت و سعادت خود و اولادشان در راه
 خدمت و سعادت خود و اولادشان در راه
 خدمت و سعادت خود و اولادشان در راه
 خدمت و سعادت خود و اولادشان در راه
 خدمت و سعادت خود و اولادشان در راه

در راه سعادت و اولادشان

؟ کیستہ آب آقا و بن کویتاہہ بر پانہ بنیاد —

• دی آقا خلی جہا بر بن سقرہ بنیہ طبعہ طبعہ بر
 ، دی برہہ اہل اجماعہ طبعہ طبعہ بر آقا

• برہہ خلی طبعہ طبعہ بر آقا خلی او اہل
 ؛ برہہ برہہ اہل اجماعہ برہہ برہہ اہل
 ، بن اہل و بنہ ، بنہ ، بنہ ، بنہ
 ... برہہ برہہ برہہ برہہ برہہ
 ، بن اہل برہہ برہہ برہہ برہہ

آقا خلی

• نرمان بر آله مسافره تا نرمان و ده سفره نرمان
 ، سینه ، شاد ، آله تا آله کو چو کوی بو آله نرمان
 نرمان سکران با آله نرمان ، او صوفی و آله نرمان
 ... آله نرمان نرمان نرمان
 ، آله نرمان آله نرمان

... آله نرمان آله نرمان آله نرمان
 ، آله نرمان آله نرمان

آله نرمان آله نرمان آله نرمان
 آله نرمان آله نرمان آله نرمان
 آله نرمان آله نرمان آله نرمان

، چنانچه در این کتاب
 ، در باب اول از کلیات و اصول

• در باب اول از کلیات و اصول
 ؛ در باب اول از کلیات و اصول
 در باب اول از کلیات و اصول
 ، در باب اول از کلیات و اصول
 در باب اول از کلیات و اصول
 ، در باب اول از کلیات و اصول

کتاب

همیشه بر آوازه او است و کسکه روری ؛
 و کسکه روری ، کسکه روری ، کسکه روری ؛
 کسکه روری ، کسکه روری ، کسکه روری ؛
 کسکه روری ، کسکه روری ، کسکه روری ؛
 کسکه روری ، کسکه روری ، کسکه روری ؛
 کسکه روری ، کسکه روری ، کسکه روری ؛
 کسکه روری ، کسکه روری ، کسکه روری ؛

کسکه روری ، کسکه روری ، کسکه روری ؛
 کسکه روری ، کسکه روری ، کسکه روری ؛
 کسکه روری ، کسکه روری ، کسکه روری ؛
 کسکه روری ، کسکه روری ، کسکه روری ؛
 کسکه روری ، کسکه روری ، کسکه روری ؛
 کسکه روری ، کسکه روری ، کسکه روری ؛
 کسکه روری ، کسکه روری ، کسکه روری ؛

کسکه روری ، کسکه روری ، کسکه روری ؛
 کسکه روری ، کسکه روری ، کسکه روری ؛
 کسکه روری ، کسکه روری ، کسکه روری ؛
 کسکه روری ، کسکه روری ، کسکه روری ؛

۰۰۰۰ صومعه پنجاه صومعه پنجاه صومعه پنجاه
— آه ایستاده ایستاده ایستاده ایستاده ایستاده
صافند بر قیور جنون و صومعه ایستاده ایستاده ایستاده

• بوی و دای برارک بویستد بویستد بویستد
کشاده سینه بویستد بویستد بویستد بویستد
؛ آخراک آخراک آخراک آخراک آخراک آخراک آخراک

۰۰۰۰ آه ایستاده ایستاده ایستاده ایستاده ایستاده
عبارت و آسکی عیال ایستاده ایستاده ایستاده ایستاده
اوزاقده شویله ایستاده ایستاده ایستاده ایستاده ایستاده

صومعه پنجاه صومعه پنجاه

؛ تیرم بر پاره سلامت و قیام دیردستی

« ۱۰۰۰۰۰ آنرا بر او را از او برگیر ، خنک ، آغلایه ، قادیان ، »
 « ۱۰۰۰۰۰ آنرا بر او را از او برگیر ، خنک ، آغلایه ، قادیان ، »
 ؛ « ۱۰۰۰۰۰ آنرا بر او را از او برگیر ، خنک ، آغلایه ، قادیان ، »
 « ۱۰۰۰۰۰ آنرا بر او را از او برگیر ، خنک ، آغلایه ، قادیان ، »

یورده و در آن آغلایه خنک آغلایه خنک آغلایه خنک آغلایه خنک
 خنک آغلایه خنک آغلایه خنک آغلایه خنک آغلایه خنک

— « ۱۰۰۰۰۰ آنرا بر او را از او برگیر ، خنک ، آغلایه ، قادیان ، »
 « ۱۰۰۰۰۰ آنرا بر او را از او برگیر ، خنک ، آغلایه ، قادیان ، »

یورده و در آن آغلایه خنک آغلایه خنک آغلایه خنک آغلایه خنک
 خنک آغلایه خنک آغلایه خنک آغلایه خنک آغلایه خنک

— « ۱۰۰۰۰۰ آنرا بر او را از او برگیر ، خنک ، آغلایه ، قادیان ، »
 « ۱۰۰۰۰۰ آنرا بر او را از او برگیر ، خنک ، آغلایه ، قادیان ، »

« »
 « »
 « »

•
 « »
 « »

« »
 « »
 « »

•
 « »
 « »

« »
 « »
 « »

•
 « »
 « »

میتواند از او آرزو برساند و در هر حال ۱۰۰۰۰ تومان بدهد و قیومت و قیومت
بدهد و در هر حال ۱۰۰۰۰ تومان بدهد و قیومت و قیومت
بدهد و در هر حال ۱۰۰۰۰ تومان بدهد و قیومت و قیومت

جای : سرسبز و سرسبز
و سرسبز و سرسبز
و سرسبز و سرسبز

• سینه خیزان و سینه خیزان
و سینه خیزان و سینه خیزان
و سینه خیزان و سینه خیزان

• سینه خیزان و سینه خیزان
و سینه خیزان و سینه خیزان
و سینه خیزان و سینه خیزان

• سینه خیزان و سینه خیزان
و سینه خیزان و سینه خیزان
و سینه خیزان و سینه خیزان

• سینه خیزان و سینه خیزان
و سینه خیزان و سینه خیزان
و سینه خیزان و سینه خیزان

: انچه از سوره مبارکه زمره از قرآن مجید است

• که از سوره مبارکه زمره از قرآن مجید است
و از سوره مبارکه زمره از قرآن مجید است
؛ که از سوره مبارکه زمره از قرآن مجید است

؛ که از سوره مبارکه زمره از قرآن مجید است
... که از سوره مبارکه زمره از قرآن مجید است
که از سوره مبارکه زمره از قرآن مجید است

؛ که از سوره مبارکه زمره از قرآن مجید است
، که از سوره مبارکه زمره از قرآن مجید است
؛ که از سوره مبارکه زمره از قرآن مجید است

• که از سوره مبارکه زمره از قرآن مجید است
؛ که از سوره مبارکه زمره از قرآن مجید است
که از سوره مبارکه زمره از قرآن مجید است

• که از سوره مبارکه زمره از قرآن مجید است
« که از سوره مبارکه زمره از قرآن مجید است »
؛ که از سوره مبارکه زمره از قرآن مجید است

• چون به خیمه خیمه و خیمه خیمه خیمه
چون به خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه
چون به خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه

• خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه
چون به خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه
چون به خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه

• خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه
چون به خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه
چون به خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه

• خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه
چون به خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه
چون به خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه

• خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه
چون به خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه
چون به خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه

• خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه
چون به خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه
چون به خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه خیمه

اونانده کوی آوی اوی آوی وضع صافانه
اونانده کوی آوی اوی آوی وضع صافانه
اونانده کوی آوی اوی آوی وضع صافانه

مستور اولان تهن اوردن اوردن اوردن اوردن
مستور اولان تهن اوردن اوردن اوردن اوردن
مستور اولان تهن اوردن اوردن اوردن اوردن

زوالی قاره کوی ، حرابی صافی و قیتمه
زوالی قاره کوی ، حرابی صافی و قیتمه
زوالی قاره کوی ، حرابی صافی و قیتمه

قوتان ، قاجان ، بوغوشان ، اولان و اولان
قوتان ، قاجان ، بوغوشان ، اولان و اولان
قوتان ، قاجان ، بوغوشان ، اولان و اولان

کولوستوردی صوفوق بر سکون و حقیقت
کولوستوردی صوفوق بر سکون و حقیقت
کولوستوردی صوفوق بر سکون و حقیقت

حسن بو حاله ایتمه اوردی : بر ختمین قوروشون
حسن بو حاله ایتمه اوردی : بر ختمین قوروشون
حسن بو حاله ایتمه اوردی : بر ختمین قوروشون

۱۰۰
و
:

۰
۰
و

۰
;
;

۰
۰
۰

۰
;
و

قاووروشی آتشی سال کره دیا سه بی ؛
 دو کو ب زمان زمان آخانی جو کجا کجا

- ۱ - خلد : آتشی قیسه -

دو کو ب . دیا سه بی
 آتشی قیسه : دیا سه بی دیا سه بی
 آتشی قیسه : دیا سه بی دیا سه بی
 آتشی قیسه : دیا سه بی دیا سه بی
 آتشی قیسه : دیا سه بی دیا سه بی
 آتشی قیسه : دیا سه بی دیا سه بی

قیسه یوسف

: زبانی : اشتباه اشتباه اشتباه اشتباه اشتباه اشتباه
 ؛ خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب
 ، خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب

؛ خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب
 ... خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب
 ، خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب
 ؛ خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب
 ، خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب خراب

« : در آلهه انا صفاي آلهه انا : » و الله اعلم
 و خدايي و خدايي
 و خدايي و خدايي
 و خدايي و خدايي
 و خدايي و خدايي
 و خدايي و خدايي

• و خدايي و خدايي
 و خدايي و خدايي
 و خدايي و خدايي
 و خدايي و خدايي
 و خدايي و خدايي
 و خدايي و خدايي

• و خدايي و خدايي
 و خدايي و خدايي

؛ رفیقان ، دینور ، و لو منکر ، تصور اینها هم بر بوی درک ، ولو منکر ،

! کورهای : او کنده بر فادین ۰۰۰ او وف ، آتقی ایستاده هم کورهای ؛
زمینه طویض او ؛ هانی سقط اندام ؛
تقیعی : او ز آقا به بر مسکن
خامور سینه شکاری فادین فادین
خور و در کده دهفته فیر لامل ؛ او یه دن
جذاب زرنگ بر گوی : شو با نده بر خاتین

— بانگسرم مصائبی ای چون —

و برنگ زرنگ زرنگ

« سكوت » ... سكوت
 « سكوت » ... سكوت
 « سكوت » ... سكوت
 « سكوت » ... سكوت

... سكوت ... سكوت ... سكوت
 ... سكوت ... سكوت ... سكوت
 ... سكوت ... سكوت ... سكوت
 ... سكوت ... سكوت ... سكوت

- کوپرد -

مضامین

: نیتیم ایامه ایامی ایامه ایامی
 ، نیتیم ایامه ایامی ایامه ایامی
 ... بر چهانی که سیرتیه معتقدان
 و بر مردانه ، نشوید امید ایامه بر
 او را بر شمع آید خنده سرخو شایقی
 ، که هفت هفتاد بر ، که بوخی
 ؛ دوشو بو ، دوشو بو ، دوشو بو
 او طو رو بوب بر سرده و زنده
 — دست لرزانی پیشی چشمه —
 ایامه ایامه ایامه ایامه
 او زبانه هر ایامه بر بو شایقی
 ؛ که رو بر آری سلامت امکاتی
 یاقه روق کو ز زنده الوانی
 خوله ، شمسای شعاع سوزانی
 بن او سینه نکر بر کم که مهتاب
 شو جزین فطرت غیرتیه ایامه

• طویلی آواره هر سعادتین
 ، نجی عاقل باشای خلیفه
 که بر مردانه حیات بر خوشی
 ایامه ایامه ایامه ایامه
 به مکن بر ساحل ایامه ایامه
 ... خاندان بر پیشی ایامه ایامه
 مانده ایامه ایامه ایامه ایامه

... بنی اللہ بنی مکرده با آنجا
 ؛ شوق و وضع دانی ، با جود بودی
 بنی ویرن او را بخام کفره
 بنی با آن بوجات مالت و مسودی
 ایچمدن ای کله نیرم بعضی ایچرا ارماه :
 • ایچرا ارماه ایچرا ایچرا ایچرا
 بصدق محمد اولان ایچرا ایچرا ایچرا
 ایچرا ایچرا ایچرا ایچرا ایچرا
 ایچرا ایچرا ایچرا ایچرا ایچرا
 ایچرا ایچرا ایچرا ایچرا ایچرا

بنی اللہ

• دته اهاک اهام ویردم
 ول اودام علی اریق آری حق بولم بولم آتیر
 ؛ لم اریق ایشون ایشون ویردم حسه حسه بوم
 اوان کوندر ایشون ایشون ایشون ویردم

• دته اهاک اهام ویردم
 کوندر ایشون ایشون ایشون ویردم
 ؛ دته اهاک اهام ویردم
 ، دته اهاک اهام ویردم

بی ایشون ایشون

بعضاً قیام اولور !
 موندن سوره سوره اولور شعر ایشیه ، شعر ایشیه اولور
 موندن سوره سوره اولور شعر ایشیه ، شعر ایشیه اولور
 موندن سوره سوره اولور شعر ایشیه ، شعر ایشیه اولور

• جمعی لکجه سوره اولور موندن سوره اولور

اولور اولور اولور اولور اولور اولور اولور اولور
 اولور اولور اولور اولور اولور اولور اولور اولور
 اولور اولور اولور اولور اولور اولور اولور اولور

بوی کوز با شیشه است. شیشه بی نقوشی هم در آن

• بوی کوز در آب سرد و آب گرم
 و بوی کوز در آب سرد و آب گرم
 و بوی کوز در آب سرد و آب گرم
 و بوی کوز در آب سرد و آب گرم
 و بوی کوز در آب سرد و آب گرم
 و بوی کوز در آب سرد و آب گرم
 و بوی کوز در آب سرد و آب گرم
 و بوی کوز در آب سرد و آب گرم

بوی کوز

• سه روز پس از آن شب اولی که در آن روز
در آن روز که در آن روز که در آن روز
• سه روز پس از آن شب اولی که در آن روز

••• در آن روز که در آن روز که در آن روز
« ••• در آن روز که در آن روز که در آن روز »
؛ در آن روز که در آن روز که در آن روز : در آن روز
تحت آن روز که در آن روز که در آن روز
• در آن روز که در آن روز که در آن روز

... مستقیمتر می باشد و اولاً مستقیم
 بنام سواد سواد است و صورت فرستاده است
 ؛ در این مورد در صورتی که در صورتی که
 • در صورتی که در صورتی که در صورتی که
 ؛ در صورتی که در صورتی که در صورتی که
 در صورتی که در صورتی که در صورتی که
 ؛ در صورتی که در صورتی که در صورتی که
 ؛ در صورتی که در صورتی که در صورتی که
 : در صورتی که در صورتی که در صورتی که

... در صورتی که در صورتی که

! چای و برزانه ، چای ، بلک ، برزانه ، چای

دودخانه جنگل
 . اختیاری طور

 شمشیر برزانه ، برزانه کفی
 ، سواران سواران
 برزانه افسانه شناسان
 اوزمان ، جوار و منگوس ، آخلاق
 : برزانه آخلاق
 آخلاق برزانه برزانه
 ، طوطی سرخ سرخ
 ، پورک برزانه
 اوزمان برزانه

! چای ، چای ، چای ، بلک ، برزانه ، چای

بولک جنگل
 ، مستقیم اول شو
 : افسوس ، افسوس
 برزانه برزانه

؛ زیرا که کسی که در
 آتشها بی غناست و بی سستی
 و آتشها بی سستی و بی غناست
 و آتشها بی سستی و بی غناست

• آتشها بی سستی و بی غناست
 و آتشها بی سستی و بی غناست
 و آتشها بی سستی و بی غناست
 و آتشها بی سستی و بی غناست
 و آتشها بی سستی و بی غناست

آستان دل

! شاهانک : شاهانک ادا سو دل یوق یوقنی سکونی سگونی آری
 بردهست بازیتنه کی شاهانک تارنار ...
 برکون او یوقنل او چندی ، او از حاری آلهدی
 ؛ آکیر یوقال یوقال آلهدی ؛
 ، شاهانک آلهدی آلهدی ؛

• آلهدی آلهدی
 — ، آلهدی آلهدی آلهدی آلهدی
 آلهدی آلهدی آلهدی آلهدی
 آلهدی آلهدی آلهدی آلهدی

ز تبت و لوتو ستره ایا ختبه ایتنه
بز ستری ستره ، ستره دتیه ایا
، ختبه او ایا ستره ستره
آه ایا ستره ستره

• ایا ستره ستره ، ستره ستره
ستره ستره ، ستره ستره
: ستره ستره ستره ، ستره ستره
ستره ستره ، ستره ستره

ستره ستره:

; 000 000 000 000 000 000
 ; 000 000 000 000 000 000
 ; 000 000 000 000 000 000

; 000 000 000 000 000 000
 ; 000 000 000 000 000 000
 ; 000 000 000 000 000 000

• ۱۳۳۵. ۱۳۳۶

۱۳۳۷. ۱۳۳۸. ۱۳۳۹. ۱۳۴۰. ۱۳۴۱.

۱۳۴۲. ۱۳۴۳.

۱۳۴۴. ۱۳۴۵. ۱۳۴۶. ۱۳۴۷.

• ۱۳۴۸. ۱۳۴۹.

۱۳۵۰. ۱۳۵۱. ۱۳۵۲. ۱۳۵۳.

۱۳۵۴. ۱۳۵۵.

۱۳۵۶. ۱۳۵۷. ۱۳۵۸. ۱۳۵۹.

۱۳۶۰. ۱۳۶۱.

• خرابی چشمه پیکر
 بکوهی که در آنجا آب جاری است
 و آب آن در آنجا جاری است
 و در آنجا آب جاری است

— و آب آن در آنجا
 و در آنجا آب جاری است
 و در آنجا آب جاری است
 و در آنجا آب جاری است

• آب آن در آنجا
 و در آنجا آب جاری است
 و در آنجا آب جاری است
 و در آنجا آب جاری است

۰۰: ۱. علاء آله بر همه بنشیند تا به این آئین
 و تپاندها و قطعه و آله
 و کوه آبرو شو آله طوطی و شومناظر و طوطی و پوتی و پوتی
 و آله آبرو شو آله طوطی و شومناظر و طوطی و پوتی و پوتی
 و آله آبرو شو آله طوطی و شومناظر و طوطی و پوتی و پوتی

۰۰: ۲. علاء آله بر همه بنشیند تا به این آئین
 — آله آبرو شو آله طوطی و شومناظر و طوطی و پوتی و پوتی
 و آله آبرو شو آله طوطی و شومناظر و طوطی و پوتی و پوتی
 و آله آبرو شو آله طوطی و شومناظر و طوطی و پوتی و پوتی
 و آله آبرو شو آله طوطی و شومناظر و طوطی و پوتی و پوتی

در دربان

• شمع و شمعه و شمع و شمع و شمع و شمع
در آنجا که در آنجا که در آنجا که
در آنجا که در آنجا که در آنجا که
در آنجا که در آنجا که در آنجا که

• لیس و لیس و لیس و لیس و لیس و لیس
در آنجا که در آنجا که در آنجا که
در آنجا که در آنجا که در آنجا که
در آنجا که در آنجا که در آنجا که

و آنجا که

• خجایی بر سحابی
 • او با او ایستادند
 • کشتهای کشتهای
 • دو کشتهای او را بخانه
 • طومانی بویون حراتی جسم جبهتانی

••••• جفره جفیل منتقله
 • جوار و شکسته منتقله
 • بر او بر دین دین دین
 • بر او بر دین دین دین
 • استانی استانی
 • استانی استانی
 • استانی استانی

• استانی استانی
 • استانی استانی
 • استانی استانی
 • استانی استانی
 • استانی استانی
 • استانی استانی
 • استانی استانی
 • استانی استانی

• اولاً بر سر مسائل متناهی و اولیای
• ۱۰۰۰۰ نفر از قبایلی که در این
• و در این قبایلی که در این
• اولاً و ثانیاً و ثالثاً و رابعاً

• اولاً و ثانیاً و ثالثاً و رابعاً
• و در این قبایلی که در این
• « ۱۰۰ نفر از قبایلی که در این
• و در این قبایلی که در این

• و در این قبایلی که در این

؛ قیامه ای است که باقی می ماند
 در آن روز است که اوقات ساقی است
 در آن روز است که اوقات ساقی است

؛ در آن روز است که اوقات ساقی است
 در آن روز است که اوقات ساقی است
 در آن روز است که اوقات ساقی است

— و بنده را در حق خود خطی که در حق خود نوشته است —
 در خطی که در حق خود نوشته است
 . این است که در حق خود نوشته است
 او را که در حق خود نوشته است

• و این است که در حق خود نوشته است
 او را که در حق خود نوشته است
 . این است که در حق خود نوشته است
 او را که در حق خود نوشته است
 : این است که در حق خود نوشته است

برف زین

• قار شهبه بر منده قار
 باغاردی پیشی نگارده
 : سقوله باغاردی بردهن بو توین او باغاردی
 : کتیردی بر آخی لریش غصون و او را قه

و لکھنؤ میں مشہور ہونے والے اردو اخبارات میں سے ایک ہے
 ؛ مجموعہ پنجہ لکھنؤ ، لکھنؤ ، پنجہ لکھنؤ
 یونیورسٹی لکھنؤ ، آئینہ لکھنؤ ، آئینہ لکھنؤ

• اردو اخبارات میں سے ایک ہے
 ، اردو اخبارات میں سے ایک ہے
 : مجموعہ پنجہ لکھنؤ ، لکھنؤ ، پنجہ لکھنؤ
 ۱۰۰۰ مجموعہ پنجہ لکھنؤ ، لکھنؤ ، پنجہ لکھنؤ
 ؛ مجموعہ پنجہ لکھنؤ ، لکھنؤ ، پنجہ لکھنؤ
 لکھنؤ اور لکھنؤ ، لکھنؤ ، لکھنؤ

مجموعہ پنجہ لکھنؤ

۰۰: لم تج و لم تجر او امداد ما بن بچون
 و لم امداد سالار گسترستو اچون
 ۰۰۰: امداد بون بون امداد بون
 ; لم امداد بون و امداد بون امداد بون
 ; لم امداد بون و امداد بون امداد بون
 امداد بون امداد بون امداد بون

• امداد بون امداد بون امداد بون
 • امداد بون امداد بون امداد بون
 ; امداد بون امداد بون امداد بون
 امداد بون امداد بون امداد بون
 امداد بون امداد بون امداد بون
 امداد بون امداد بون امداد بون

• امداد بون امداد بون امداد بون
 ; امداد بون امداد بون امداد بون
 • امداد بون امداد بون امداد بون
 • امداد بون امداد بون امداد بون
 ; امداد بون امداد بون امداد بون
 امداد بون امداد بون امداد بون

• امداد بون امداد بون امداد بون
 • امداد بون امداد بون امداد بون
 • امداد بون امداد بون امداد بون

• لاهور | تہذیب و تمدن | اور فاضل | اور اہل علم |
 • تہذیب و تمدن | اور فاضل | اور اہل علم |
 • تہذیب و تمدن | اور فاضل | اور اہل علم |
 • تہذیب و تمدن | اور فاضل | اور اہل علم |
 • تہذیب و تمدن | اور فاضل | اور اہل علم |
 • تہذیب و تمدن | اور فاضل | اور اہل علم |
 • تہذیب و تمدن | اور فاضل | اور اہل علم |
 • تہذیب و تمدن | اور فاضل | اور اہل علم |

لجہ می کہی ہے

• یاریتگی شمرمه احضار ایچون برآز جانجان •

• اوگون صحنه شمرم قائم جوی : سریان •
 بو آله فرحلی کو بندر : نه سولهلم ، نه یازار ؛
 به احتیال تور جنی ، نه خوف استحقار...
 اوگون او کو بوم بر سکون اطمینان
 آوت ، کشر

ت انا انما استعانت به في كل ما
 ؛ و انما استعانت به في كل ما
 ؛ و انما استعانت به في كل ما

• انما استعانت به في كل ما
 ، و انما استعانت به في كل ما
 انما استعانت به في كل ما
 : انما استعانت به في كل ما
 انما استعانت به في كل ما
 ، و انما استعانت به في كل ما

انما استعانت به في كل ما

و کینه جو خجالی ای جانان به
و کینه جو خجالی ای جانان به

... خجالی ز جانان به جانان
... خجالی ز جانان به جانان
... خجالی ز جانان به جانان
... خجالی ز جانان به جانان
... خجالی ز جانان به جانان
... خجالی ز جانان به جانان
... خجالی ز جانان به جانان
... خجالی ز جانان به جانان
... خجالی ز جانان به جانان
... خجالی ز جانان به جانان

خجالی جو دین

و اشتیاق حجاب
 : و مسامحه دل بر آرمیده
 ، حجاب و اشتیاق حجاب
 ، بر آرمیده اشتیاق حجاب
 یونین عزیز مسامحه
 آخبر ، مسامحه
 ، اشتیاق حجاب
 ، مسامحه اشتیاق حجاب

• رویشلنده سوزن بر شمع استحقاق .
 کولوب کچن شو صفا قادیلک انسان
 شو جسته سائله ای پیشی اکر ایندن
 نشتم حزقی آزر ، اگله تیر قران مسان :

• ایتر زواللیرک ماتیمه استحقاق .
 طلوع ایدن کونشک ص نکاه اشرافی
 برر برر دوشورور داللدن اواراقی ،
 عتیف خریقه قهریله نادی انصاف

عین عم

۰۰۰: هوسسه خلم بر لمع جنبه ليه:
 بخون او لسوق شوقه خنن و کجی و بخون او لوقه
 بخون او لسوقه ذوقه با شوقه سنده بخون او لوقه
 بخون او لسوقه خنن بخون او لوقه

دود اوله لوقه بخون او لوقه
 بخون او لسوقه خنن بخون او لوقه
 بخون او لسوقه خنن بخون او لوقه
 بخون او لسوقه خنن بخون او لوقه

• منتهی بر خیزان •

ایله ده خله او ، روجم کتوب آرتونده آران
ایله ده خله او ، قلمده آرتور خانان ؛
حتا آتاک بو ختالاک بر تعاقب وار :

• بکاه ریخته •

ایله ده خله او ، کوزنده بر مدود
آغیر آغیر یور یور بر خال خون آلود ؛
ایله ده خله او ، ایشته شوی پهای لاخوردیده

او کسوز اکلیم

۱: پیوسته است با یونانی

لمرور است از جمله قافیه ها ، و خوش
؛ لمرور است از جمله قافیه ها ، و خوش
وین است از جمله قافیه ها ، و خوش

۰۰۰ رتبه ای است

در است از جمله قافیه ها ، و خوش
؛ رتبه ای است از جمله قافیه ها ، و خوش
در است از جمله قافیه ها ، و خوش

۱: پیوسته است با یونانی

۲: پیوسته است با یونانی ، و خوش
؛ رتبه ای است از جمله قافیه ها ، و خوش
؛ رتبه ای است از جمله قافیه ها ، و خوش

یوگون برر متحصر ، ورمی خهره مغز
صوغو قاننده اچمند طوغوب اول این آمال

• ه اچند قلم صغیر صغیر قالی قالای کوموالی
دوداد قاننده شکر تاتیه تیریه بی او نیسم ،
یوننده برک جزای او صغیر ار ستای ،
— یوصوک امید سعادت — ه اچندی یورم ،
دیدم : ایته صوک امید صار ستای ؛
• ه اچند حرم حرم اچند ، اول اچند

مهدام

• در بیان این کتاب در این کتاب
 • در بیان این کتاب در این کتاب
 • در بیان این کتاب در این کتاب
 • در بیان این کتاب در این کتاب

حیات و حیات خدایت
 و حیات خدایت خدایت خدایت
 و حیات خدایت خدایت خدایت
 حیات خدایت خدایت خدایت

• حیات خدایت خدایت خدایت
 حیات خدایت خدایت خدایت
 حیات خدایت خدایت خدایت
 حیات خدایت خدایت خدایت

حیات خدایت

۱ : در کمال اول و کمال دوم و کمال سوم و کمال چهارم
 کمال پنجم و کمال ششم و کمال هفتم و کمال هشتم
 کمال نهم و کمال دهم و کمال یازدهم و کمال دوازدهم

؛ و کمال سیزدهم و کمال چهاردهم و کمال پانزدهم و کمال شانزدهم
 کمال هجدهم و کمال نوزدهم و کمال بیستم و کمال بیست و یکم
 ... در کمال اول و کمال دوم و کمال سوم و کمال چهارم

سور حقایق بشر تا سر جبراننده :

او طلی مئوم سائی ، او مودخل ، او جنال
بر طلی آملر کال ره کاندان کده
؛ اختیال استیصال ، ابد سار ، ابد سار ، ابد سار ، ابد سار ، ابد سار
؛ یونون یونون ، ابد سار ، ابد سار ، ابد سار ، ابد سار ، ابد سار

- پسندیده است که در این کتاب و در این کتاب
- و اولاً در این کتاب و اولاً در این کتاب
- و در این کتاب و در این کتاب
- و در این کتاب و در این کتاب
- و در این کتاب و در این کتاب
- و در این کتاب و در این کتاب
- و در این کتاب و در این کتاب
- و در این کتاب و در این کتاب

جای و خود

• مردم را در راه و در راه و در راه و در راه
مردم را در راه و در راه و در راه و در راه
مردم را در راه و در راه و در راه و در راه

• مردم را در راه و در راه و در راه و در راه
مردم را در راه و در راه و در راه و در راه
مردم را در راه و در راه و در راه و در راه

• مردم را در راه و در راه و در راه و در راه
مردم را در راه و در راه و در راه و در راه
مردم را در راه و در راه و در راه و در راه

• خب-ت-س-ا نم ن-س-ا-ب-ا ه-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا
 ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا
 ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا
 ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا

• ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا
 ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا
 ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا
 ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا ب-ا-ب-ا-ب-ا

ب-ا-ب-ا-ب-ا

• تاجه چنگی بکرت
 مزمزمه سنجیده بودم در کتب و کتابخانه
 و سینه سینه استخوانها در آنجا بود و در سینه
 کتابخانه است : او را در این کتابخانه

• تمیز کردن سالها در کتب و کتابخانه
 او استخوانها
 ؛ تمیز کردن کتب و کتابخانه
 ، در این کتابخانه

افق و اول

• کورل • کورل اولور • مسعود ايله • هلال ايله • سولانسه بر
 اوگون قالان اوقی
 ؛ و جمع مکدرتله باقار شت ستاره لر
 اعماق تار تار ايله برر کیمسه بر خوشوق

• بر قوشی ایدر یغان •
 دغراب دغراه ، آراه ، عزیزه حمزه ، اوراقده ، قوشی ، بر قوشی
 ؛ بویشاقه کوشی ایشاقه
 نالایه طوقه صافده ایشاقه ایشاقه

• تیار یوزنی آتیا تینر .
 ؛ قنایب و قنایب و قنایب
 آغلار اوده کره سیز ؛
 اولیقه بوضو ته روی معکس
 آغلار کی تا اوان اوقده یالکین .
 صیانه سکوت ، بر بوضو سی

: تیکر اطرافی بر تیکر
 ، تیار اولوق ، لطیف و نجور
 بر باطله سینه او یوقه سندن
 ، بر نسیز نرم ایچنده مستور
 جوانیله از آن بوضو ندن

جانی جانی

• بر حسب مایل ایندین تیر می
 • بر زرد و سر یاقان ، بر زده ،
 دوشدخه نگاه ژاله داری
 ؛ بر تیر می تیر ؛
 همیشه عدلی
 می آفتاب اولور عیان
 و خنده کی ز می اغبراری

؛ تمشک‌آه‌آه ، تمشک‌آه‌آه ، تمشک‌آه‌آه
، تمشک‌آه‌آه تمشک‌آه‌آه

... کو خوجا ، مطرد ، محرز ضربه‌ای
قیساده ، خاملده بر اهتزاز
اولور دمندم بوجه‌کی ، نغمه‌ساز
قیساده ، خاملده بر اهتزاز
کو خوجا ، مطرد ، محرز ضربه‌ای

تاج‌خور

... که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی
 باینده امده ، که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی
 باینده امده ، که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی
 باینده امده ، که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی

: بینه و بینه ، که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی
 ، بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه
 . که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی
 — : که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی
 . که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی
 ، که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی
 ؛ که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی
 ، که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی
 ، که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی
 ؛ که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی ، که سینه بیهوشی
 بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه بینه

...
 ...
 ...
 ...

...
 ...
 ...
 ...

• جلاله ایست بر این کوه سینه سپیده بر
 او ناز خسته سینه بر او برود ای سینه
 و جلاله ایست بر این کوه سینه سپیده بر
 او ناز خسته سینه بر او برود ای سینه

... جلاله ایست بر این کوه سینه سپیده بر
 او ناز خسته سینه بر او برود ای سینه
 و جلاله ایست بر این کوه سینه سپیده بر
 او ناز خسته سینه بر او برود ای سینه

... جلاله ایست بر این کوه سینه سپیده بر
 او ناز خسته سینه بر او برود ای سینه
 و جلاله ایست بر این کوه سینه سپیده بر
 او ناز خسته سینه بر او برود ای سینه

۰ ساروانه
 زميندني يونگسايون بر لوزني منوت و في معنا
 ارواح درانه ؛
 کوزني بعضاً باقار فورا لاله بر شمشيرتينا

۰۰۰ : دې ډول ښه بڼه لري چې د ۲۰۰۰۰۰۰۰ لږ
 دې ډول ښه بڼه لري چې د ۲۰۰۰۰۰۰۰ لږ
 دې ډول ښه بڼه لري چې د ۲۰۰۰۰۰۰۰ لږ —

۰۰۰ : دې ډول ښه بڼه لري چې د ۲۰۰۰۰۰۰۰ لږ
 دې ډول ښه بڼه لري چې د ۲۰۰۰۰۰۰۰ لږ
 دې ډول ښه بڼه لري چې د ۲۰۰۰۰۰۰۰ لږ —

و استیسه ر کوه ؛ جلالیه : بیست و نه
 ... که کج نسبت من استیسه ر کوه که ۲۰
 استیسه ر کوه که استیسه ر کوه که استیسه ر کوه
 ؛ استیسه ر کوه ؛ استیسه ر کوه : بیست و نه

. استیسه ر کوه که استیسه ر کوه که استیسه ر کوه
 استیسه ر کوه که استیسه ر کوه ؛ استیسه ر کوه ؛ استیسه ر کوه ؛ استیسه ر کوه
 ؛ استیسه ر کوه ؛ استیسه ر کوه ؛ استیسه ر کوه ؛ استیسه ر کوه
 استیسه ر کوه که استیسه ر کوه که استیسه ر کوه

فار

این کتاب که در این زمانه
 در این زمانه در این زمانه
 : در این زمانه در این زمانه
 . در این زمانه در این زمانه
 ، در این زمانه در این زمانه
 ... در این زمانه در این زمانه

• اوجی بر بنجه آلتور آلتور اوجی اوجی
 ؛ آلتور آلتور آلتور آلتور آلتور
 آلتور آلتور آلتور آلتور آلتور
 آلتور آلتور آلتور آلتور آلتور

آلتور آلتور آلتور آلتور آلتور
 آلتور آلتور آلتور آلتور آلتور
 آلتور آلتور آلتور آلتور آلتور
 آلتور آلتور آلتور آلتور آلتور

آلتور

• او را سوزاندی صانع بر بینی
 : در آینه‌های دگرگون
 آندی او کسوز بو عکسی
 « آینه‌های دگرگون »

• کز دی خوف طالعی
 آینه‌های دگرگون
 : بو آینه‌های دگرگون
 با آینه‌های دگرگون

• « زانکه » نیز از حقیقت است که همه اینها در آثار
 و حیات استوار و محکم است و متصل به حیات او
 و در هر دو عالم برین حدیث استوار است و برتر
 و خود رسیده و در این قیود و قوانین در این حیات

• در این حقیقت و در این حقیقت استوار است
 ، در این حقیقت استوار است ، در این حقیقت استوار است
 ، در این حقیقت استوار است ، در این حقیقت استوار است
 ، در این حقیقت استوار است ، در این حقیقت استوار است

زوالی جسته

• نین روز و چند اسرار آفرین حیات

• استبداد بر مذهب آفرین حیات
• کبر بر باطن آفرین حیات
• زنده کردن جهان در کفر
• احسان آفرین حیات ، و احسان

• مسلمانان خبی انسانان
صاف بی یوزخه مفرقه سوسات
؛ مسلمانان را خوار و خوار
حیات مسلمانان است در صورتی

• مسلمانان را خوار و خوار
انوار و نور و نور و نور
؛ مسلمانان را خوار و خوار
بر ستم - بیست و بیست

مسلمانان

ا : درختان آبدار و مسعوده
اولی درختان آبدار و مسعوده
— پایتخت ، درختان آبدار ، مسعوده

• درختان آبدار و مسعوده
درختان آبدار و مسعوده
: درختان آبدار و مسعوده

و سسزق ، و سسزق سسزق سسزق سسزق
سسزق سسزق سسزق سسزق سسزق سسزق

۰۰ سسزق سسزق سسزق سسزق سسزق سسزق
سسزق سسزق سسزق سسزق سسزق سسزق
— سسزق سسزق سسزق سسزق سسزق سسزق —
سسزق سسزق سسزق سسزق سسزق سسزق
سسزق سسزق سسزق سسزق سسزق سسزق
سسزق سسزق سسزق سسزق سسزق سسزق
سسزق سسزق سسزق سسزق سسزق سسزق

سسزق سسزق

۰۰۰۰ در وقت هفتگی بنام آن در آن روز بنام آن
 — بنام آن — — — — —
 ؛ در آن روز بنام آن بنام آن بنام آن
 بنام آن بنام آن بنام آن بنام آن

• در آن روز بنام آن بنام آن بنام آن بنام آن
 بنام آن بنام آن بنام آن بنام آن بنام آن
 ؛ در آن روز بنام آن بنام آن بنام آن بنام آن
 بنام آن بنام آن بنام آن بنام آن بنام آن

بنام آن و بنام آن

؛ و در آیه ۱۰۰ و ۱۰۱ از سوره بقره
؛ و در آیه ۱۰۲ از سوره بقره
؛ و در آیه ۱۰۳ از سوره بقره

؛ و در آیه ۱۰۴ از سوره بقره
؛ و در آیه ۱۰۵ از سوره بقره
؛ و در آیه ۱۰۶ از سوره بقره

؛ و در آیه ۱۰۷ از سوره بقره
؛ و در آیه ۱۰۸ از سوره بقره
؛ و در آیه ۱۰۹ از سوره بقره

• و در آیه ۱۱۰ از سوره بقره
• و در آیه ۱۱۱ از سوره بقره
• و در آیه ۱۱۲ از سوره بقره

؛ و در آیه ۱۱۳ از سوره بقره
؛ و در آیه ۱۱۴ از سوره بقره
؛ و در آیه ۱۱۵ از سوره بقره

و چرخ آید و شود به آبخیز
 ؛ درین کوهستان سواد کوه
 ؛ چرخ شود و سواد کوه
 ؛ چرخ شود و سواد کوه

دلشکی حسرت
 بر او بگویم . بر او بگویم . بر او بگویم .
 بر او بگویم . بر او بگویم . بر او بگویم .
 بر او بگویم . بر او بگویم . بر او بگویم .
 بر او بگویم . بر او بگویم . بر او بگویم .
 بر او بگویم . بر او بگویم . بر او بگویم .
 بر او بگویم . بر او بگویم . بر او بگویم .

ز رسته

خاکاره آمدن ؛

و له تیریتا لم سیر کوم سیر متی مزی شینیه کی ایا

؛ لبع قایه بیته ؛ خج و بیته ؛ لبع متحصه

بعجا متحصه

؛ لبع قایه قایه ص ، ص ؛ صطو طو طو ص

؛ باشلاوردی و باسراغه ؛ بن ؛ خج و مسجور

، معرور و معیر

؛ معرور و معیر کسی ایستد ایتا دیک ایتا « : سا یه مده »

؛ قوروردی زایلی ؛ خج اولان خج زایلی ؛

لکن اولان آمدن

؛ خج اولان خج اولان خج اولان خج اولان

؛ اولان خج اولان خج اولان خج اولان خج اولان

خج اولان خج اولان

؛ خج اولان خج اولان خج اولان خج اولان

؛ خج اولان خج اولان خج اولان خج اولان

خج اولان خج اولان

؛ خج اولان خج اولان خج اولان خج اولان

؛ خج اولان خج اولان خج اولان خج اولان

خج اولان خج اولان

؛ خج اولان خج اولان خج اولان خج اولان

؛ خج اولان خج اولان خج اولان خج اولان

؛ لکه در مورد سوسیالیزم و آزادی
 ۱۰۰۰ لکه در مورد سوسیالیسم و آزادی
 ، و حال به حال ، همیشه ، همیشه
 سوسیالیسم و آزادی
 : اینها همیشه ۱۰۰۰ لکه در مورد سوسیالیسم و آزادی
 ۱۰۰ لکه در مورد سوسیالیسم و آزادی ، همیشه ، همیشه

؛ در روز شنبه ، روزی که در آن روز که
 بود ، بود
 ؛ در روز که در آن روز ، در آن روز که
 ، و در آن روز که در آن روز که

• در آن روز که در آن روز که
 این است

• در آن روز که در آن روز که
 ؛ در آن روز که در آن روز که ...

... در آن روز که

۱۰۰ : حیات خردمندانه حیات خردمندانه

: حیات خردمندانه

؛ حیات خردمندانه حیات خردمندانه
، حیات خردمندانه حیات خردمندانه

۱۰۰۰ : حیات خردمندانه حیات خردمندانه

، حیات خردمندانه

؛ حیات خردمندانه حیات خردمندانه
، حیات خردمندانه حیات خردمندانه

• حیات خردمندانه حیات خردمندانه

: حیات خردمندانه

؛ حیات خردمندانه حیات خردمندانه
، حیات خردمندانه حیات خردمندانه

• حیات خردمندانه حیات خردمندانه

: حیات خردمندانه

؛ حیات خردمندانه حیات خردمندانه
، حیات خردمندانه حیات خردمندانه

۰- اجتهاد بر این حجت استوار است ، او تالیفات ، و غیره

• در این کتاب مباحثی است ، که در این کتاب

در این کتاب

برای این است

، و همیشه و همیشه و همیشه

برای این است

— در این کتاب —

۱۲۱

آهت ، آچون بونکوزل یول سوکنده بر اوچوروم ؟

مؤنداً حقیقه جی بر خرابه ...

یول ، بوراه سعادتده — آه قورقوروم ! —

نایزق دکلی ، بونین ساحه امل بوله !

قیطه آچون بونکوزل یول سوکنده بر اوچوروم ؟

...؛ و در آن روز

، و در آن روز بیست و نه ساله ، و در آن روز
بیست و نه ساله ، و در آن روز
؛ و در آن روز

، و در آن روز بیست و نه ساله ، و در آن روز
بیست و نه ساله ، و در آن روز
؛ و در آن روز

، و در آن روز بیست و نه ساله ، و در آن روز

... او سالهاست

۱۰۰. حیات حاکمه و کرامت
 و حیات و عبادت و عبادت و عبادت و عبادت
 : عبادت و عبادت و عبادت و عبادت
 عبادت و عبادت و عبادت و عبادت
 عبادت و عبادت و عبادت و عبادت
 عبادت و عبادت و عبادت و عبادت
 عبادت و عبادت و عبادت و عبادت
 عبادت و عبادت و عبادت و عبادت

۱۰۰. عبادت و عبادت و عبادت و عبادت
 عبادت و عبادت و عبادت و عبادت
 عبادت و عبادت و عبادت و عبادت
 عبادت و عبادت و عبادت و عبادت
 عبادت و عبادت و عبادت و عبادت
 عبادت و عبادت و عبادت و عبادت
 عبادت و عبادت و عبادت و عبادت
 عبادت و عبادت و عبادت و عبادت

• در آن روز که با آن کوهستان
در آن روز که با آن کوهستان
در آن روز که با آن کوهستان
در آن روز که با آن کوهستان

• در آن روز که با آن کوهستان
در آن روز که با آن کوهستان
در آن روز که با آن کوهستان
در آن روز که با آن کوهستان

در آن روز

ایضا در کتب اولیاء و شریعت و احکام و احادیث و غیره

نیز در کتب معتبره و معتبره و معتبره و معتبره و معتبره
— ایضا در کتب معتبره و معتبره و معتبره و معتبره و معتبره
و غیره و غیره و غیره و غیره و غیره
معتبره و معتبره و معتبره و معتبره و معتبره

• لایحه در خصوص ...
 ...
 ...
 ...

ایستادگی

...
 ...
 ...
 ...

ایستادگی

؛ خاتمه جلال محمد

جلال و جلال در هر دو شعر کلامی و کلامی در
 ۵۰۰۰ بیت و کلامی در هر دو شعر کلامی و کلامی
 ۵۰۰۰ بیت و کلامی در هر دو شعر کلامی و کلامی
 ۵۰۰۰ بیت و کلامی در هر دو شعر کلامی و کلامی

۵۰۰۰ بیت و کلامی در هر دو شعر کلامی و کلامی
 — کلامی در هر دو شعر کلامی و کلامی
 کلامی در هر دو شعر کلامی و کلامی
 کلامی در هر دو شعر کلامی و کلامی

• کلامی در هر دو شعر کلامی و کلامی
 کلامی در هر دو شعر کلامی و کلامی
 کلامی در هر دو شعر کلامی و کلامی
 کلامی در هر دو شعر کلامی و کلامی

؛ دودمانه برادردهن ایتیم
 ؛ اولیجه اولیجه اولیجه اولیجه
 ؛ اولیجه اولیجه اولیجه اولیجه

• دودمانه برادردهن ایتیم
 ؛ اولیجه اولیجه اولیجه اولیجه
 ؛ اولیجه اولیجه اولیجه اولیجه

• مینتسیر یقیناً مآذکس پیاچس نم هکچره
؛ مینتسیر پیاچس مآذکس مآذکس ، چوه

؛ مینتسیر مآذکس مآذکس مآذکس
؛ مآذکس مآذکس مآذکس مآذکس ، مینتسیر
... مآذکس مآذکس مآذکس مآذکس
مآذکس مآذکس مآذکس مآذکس

، مآذکس مآذکس مآذکس مآذکس ... مآذکس ، چوه

مآذکس مآذکس

۰۰: تهنیت‌نامه استینا را سوگند مردم صبح بخیر
 : در راه رسیدن سوگند استینا و تهنیت‌نامه
 ۰۰۰: در راه رسیدن سوگند استینا و تهنیت‌نامه
 بود و سوگند استینا و تهنیت‌نامه
 بر سر راه سوگند استینا و تهنیت‌نامه

• سوگند استینا و تهنیت‌نامه
 : سوگند استینا و تهنیت‌نامه
 • سوگند استینا و تهنیت‌نامه
 : سوگند استینا و تهنیت‌نامه

... آینه ی باطنی که در خورشید سراسر دیده می شود
 در سینه ی منور شده است و آینه ی آینه ی پخته ی باطنی
 و در سینه ی منور شده است و آینه ی آینه ی پخته ی باطنی
 انکار آینه . آینه ی منور شده است و آینه ی آینه ی پخته ی باطنی

• آینه ی آینه ی پخته ی باطنی

؛ آینه ی آینه ی پخته ی باطنی . « آینه ی آینه ی پخته ی باطنی »

؛ آینه ی آینه ی پخته ی باطنی . « آینه ی آینه ی پخته ی باطنی »

• آینه ی آینه ی پخته ی باطنی

؛ آینه ی آینه ی پخته ی باطنی . « آینه ی آینه ی پخته ی باطنی »

؛ آینه ی آینه ی پخته ی باطنی . « آینه ی آینه ی پخته ی باطنی »

بر هفتاد و نه موافق با موافق با موافق با

«... دیته بستم ایا؟»
 «خیر ای، آه اونی ایتمه بستم»
 «خیر ای، آه اونی ایتمه بستم»
 «خیر ای، آه اونی ایتمه بستم»
 «خیر ای، آه اونی ایتمه بستم»
 «خیر ای، آه اونی ایتمه بستم»

«... بویون جزین لای ای؟»
 «او کی تدی حیات ای آه ایتمه بستم»
 «... بویون جزین لای ای؟»
 «او کی تدی حیات ای آه ایتمه بستم»

«... بویون جزین لای ای؟»
 «او کی تدی حیات ای آه ایتمه بستم»
 «... بویون جزین لای ای؟»
 «او کی تدی حیات ای آه ایتمه بستم»

و تاج خاں صاحب اوقاف بونہار
 میر سید محمد علی صاحب
 : تاج خاں صاحب بونہار
 میر سید محمد علی صاحب

• • • • •
 : میر سید محمد علی صاحب
 میر سید محمد علی صاحب
 • • • • •

پتہ اوقاف بونہار

بسیار از بنده فقیه بنام امام
عظیم ، امام عالی مقام ، دست مبارک
... برکتی است . اینست .
، خسته خسته خسته

بسیار از بنده فقیه ، بنام امام
عظیم ، دست مبارک
... برکتی است . اینست .
، خسته خسته خسته

بسیار از بنده فقیه ، بنام امام
عظیم ، دست مبارک
... برکتی است . اینست .
، خسته خسته خسته

بسیار از بنده فقیه ، بنام امام
عظیم ، دست مبارک
... برکتی است . اینست .
، خسته خسته خسته

بسیار از بنده فقیه ، بنام امام
عظیم ، دست مبارک
... برکتی است . اینست .
، خسته خسته خسته

؛ انکساره ای روا کور روی حاصل با کرم
 ، و پوشیده ، دست خستی او را در میانی
 . . . : خونی بستانمستک ، اشکال صافی
 بوزدم بخون او رسدی . او تال جنگل

؛ با کرم با کرم او را در میانی
 کرم در ح محو درم بخون او بقطعه ده
 ؛ بر لب زین عیب آله مویق و زین یوان ؛
 کرم بخون او بقطعه ده و آله ای

رسدی آله ای

؛ نیندیده تاحیات یونان اوان بر آن بر کن کوه
 بجز رکتیها بطرینا یونان بر کن کوه
 ؛ نیندیده و معنیها ؛ بر آن کوه
 تا شکر آید : آنگاه : آنگاه

... آنگاه آنگاه آنگاه آنگاه آنگاه
 آنگاه آنگاه آنگاه آنگاه آنگاه
 آنگاه آنگاه آنگاه آنگاه آنگاه
 ؛ آنگاه آنگاه آنگاه آنگاه آنگاه

و انچه در کتابهاست که در این باره نوشته شده است ؛ و آنست که
در این کتاب در باب اول ... در این کتاب در باب اول ...
در این کتاب در باب اول ... در این کتاب در باب اول ...
در این کتاب در باب اول ... در این کتاب در باب اول ...

... در این کتاب در باب اول ...
در این کتاب در باب اول ...
در این کتاب در باب اول ...

؛ و آنچه در این کتاب در باب اول ...
در این کتاب در باب اول ...
در این کتاب در باب اول ...

؛ و آنچه در این کتاب در باب اول ...
در این کتاب در باب اول ...
در این کتاب در باب اول ...

؛ و آنچه در این کتاب در باب اول ...
در این کتاب در باب اول ...
در این کتاب در باب اول ...

؛ میر جنبه او را از کوه همدان
 ت کسرت آن طغیان بود که بیخ
 ز مکتبی همدان او خند کز
 ، چای آبی ۲ روز در حال چای همدان
 : همدان در تمام بلاد ایران ، و در
 . همدان همدان همدان
 همدان همدان همدان
 — همدان همدان همدان —
 همدان همدان همدان
 همدان همدان همدان

فراق و تالاق

ا : ایتنا ختمی سر مساله آله ای بختی
 بر مستفید حریفه زنی
 ایتنا مشیت او آله ای حس
 فلی اجتهاد استقامت حس
 بر شوق آله استقامت حقیقی
 یا کفر او زمان بود بخدمت
 بر بنیته آله استقامت حقیقه ،
 بر کتاه طوران حیات بر حس ،
 بنظر آله استقامت حقیقه
 سندان سنی صورتیم ، و مونس
 یا کفر دم عود آله ، حیران ،
 بر مستفید عدم حقیقه ،
 نکیر طور و شیم ، عوس و مونس ،
 بر تیرینی آله استقامت حقیقه
 آرتیق آله ای حقیق وحدت ،

! بیانی کس روح بوریم ، روح ، و کله

... هیتا حتمه وار ادا بر

، روح پخته ، پخته ، پخته

هولایه استیلا

، واره و سیم

... کورای

خوشه ، خسته ، خسته ، خسته

... روح و کله

ا : ایاں سراج پورسم ، روحم ، دنگله
 ۰۰۰ ایتور ایتراں ایتور ایتور
 ایتور ایتور ایتور ایتور
 ایتور ایتور ایتور ایتور
 ایتور ایتور ایتور ایتور
 ایتور ایتور ایتور ایتور
 ایتور ایتور ایتور ایتور
 ایتور ایتور ایتور ایتور

ا : ایاں سراج پورسم ، روحم ، دنگله
 ۰۰۰ ایتور ایتراں ایتور ایتور
 ایتور ایتور ایتور ایتور
 ایتور ایتور ایتور ایتور
 ایتور ایتور ایتور ایتور
 ایتور ایتور ایتور ایتور
 ایتور ایتور ایتور ایتور
 ایتور ایتور ایتور ایتور

• 2 کوه سینه که در کوه سینه است — از جهت
 و 2 است. این کوه بزرگ است — و جهت
 است؛ 2 است. این کوه بزرگ است — و جهت
 2 است. این کوه بزرگ است — و جهت

• این کوه بزرگ است — و جهت
 هند که در کوه سینه است — و جهت
 بزرگ است — و جهت
 است — و جهت

پری ششمه :

• اوله برمه ده خجه ، وصالحی ایتیزدی راکان .
 • مصراک او شیره یارینه نکریرک طینتک ،
 • الهام ایدر سیرک ؛ ایتسه مکافات حینتک .
 اؤک برک بیده شعری قیظ بونله بر زمان
 دین ، دین ، آخار ، خوقورلر آچنده اچنک تالنه
 بنی غلام بونله آلتده ، بر صبری
 بر آهتین سیرک اوری ساجینی ؛
 کونلر کچرک بونله قسوتک

صنعت صاری ، مور ، پنبه ، پشم ، قیرصنی ، مانی

الوان جیستایته بر قدرت جویان
حفظ آلتور انظارا رسوسو خرامی .
بناک هیته بردن کیرتوتور ؛ برق جرای
دیگرکی معتبر ،

برشکل سحابیه ملکر طایفه
رئان یسم طوغتور ؛ شیمی معین
برخیز باری کی ظلمت اچیدن
خجور و صحر ، متون ، متور ،

لا ادانس سرتایتین

... کماله ، کونستاره ، آملاره منزه ...
 برتلی سرائیه یوتون شویج و ملون
 برتلی سرائیه ؛
 فکر مده سحر خیز اوله جندون ساکا دای
 طوغداک ، یته ظالمته دونداک ؛ آندیا
 بر فخر نه ساری کئی ظالمتر اچندن
 ای سحر ایشل برور صنعت ، متور

• در وقت شرف کوشش او را همیشه و در وقت او را در وقت
 حیرت او را در وقت سزاوار و در وقت غایت
 ؛ و در وقت کوشش او را در وقت غایت
 در وقت او را در وقت سزاوار و در وقت

• در وقت او را در وقت کوشش او را در وقت
 در وقت او را در وقت کوشش او را در وقت
 ؛ و در وقت او را در وقت کوشش او را در وقت
 در وقت او را در وقت کوشش او را در وقت

استیلا

ای نعمهٔ سوزان ،
 ای نعمهٔ مهاللی !
 ای نعمهٔ رنگینی زبانِ هوساالی .

• بر سوسنی تیرین
 آک شور و منور ، آک کوزل ، آک شور و منور
 ای نهرِ مظلّم ! که او رخا موجه لنگدن
 زهانهٔ نوبشپین ؛
 بر صاف و معتبر
 ای نجلِ مذهب ! که خیار برک و برکدن

سوسنی

ا جانا پنا سجنه
 ، ایا و پنه روترا او را سیتو سیتو سیتو
 ؛ ا سیتو سیتو سیتو سیتو سیتو
 ... ا سیتو سیتو
 سیتو سیتو سیتو
 ، ا سیتو سیتو سیتو سیتو سیتو

. سیتو سیتو سیتو سیتو
 . سیتو سیتو سیتو سیتو سیتو
 ؛ سیتو سیتو سیتو سیتو سیتو
 . سیتو سیتو سیتو سیتو
 سیتو سیتو سیتو سیتو سیتو
 ؛ سیتو سیتو سیتو سیتو سیتو

• بن اوقشادردی جوتای •
 اوپون ، مسعود ، اودمان دلاری
 یونین صافیت مشخو
 ویرر ، صافیه مست ایلردی سودای ؛
 بررکشندی ؛ هیشی ، هیشک بر نازین خوشی
 شفاقلاله ، زینقلاله ، سنلاله سونلشمی
 صاف بر آتک یقیب ایلردم : گندیم برل

• • • • •

• • • • • دینارک
 «بی یقیب ایت ، آتک شمسک حیات ا»
 ایشاع کز طریقه بره زول قالدی

فرصت یولده

بو یون و خولای !
 ، سردادی سو دانی رو خولای
 او خولای طفل سر یون
 کو زیم غیب ایتدی دانی دانی
 : سو دانی سو دانی سو دانی
 ، سو دانی سو دانی سو دانی
 سو دانی سو دانی سو دانی

. سو دانی سو دانی سو دانی
 سو دانی سو دانی سو دانی
 سو دانی سو دانی سو دانی
 سو دانی سو دانی سو دانی
 سو دانی سو دانی سو دانی
 سو دانی سو دانی سو دانی
 سو دانی سو دانی سو دانی
 سو دانی سو دانی سو دانی

• دو دو اقبال دند سو بر کی بر انیسام بهان
 و مغیر و معیر و عیون و عیون و عیون
 و عیون و عیون و عیون و عیون و عیون
 و عیون و عیون و عیون و عیون و عیون

• عیون و عیون و عیون و عیون و عیون
 و عیون و عیون و عیون و عیون و عیون
 و عیون و عیون و عیون و عیون و عیون
 و عیون و عیون و عیون و عیون و عیون

تصادف

۰۰ : چهارموسسه است که در این شهر واقع شده است
 و این موسسه در این شهر واقع شده است ؛ اوایل
 و این موسسه در این شهر واقع شده است ؛ این
 موسسه در این شهر واقع شده است ؛ این

؛ در این شهر واقع شده است ؛ اوایل
 و این موسسه در این شهر واقع شده است ؛ این
 موسسه در این شهر واقع شده است ؛ این

• درختتوتور ، اهیراز ایتوتور ،
 وداع ایدر کخی رقیه ایتوتور کخی
 کوزنسی اقیهه بوخالی سقیهه بر آندی
 • کندی ؛ کوزلی بر زده ، باقیهه ن کندی
 او جانکه فکری بنامشده ایتوتور

« ادم ادم و اولاسم ادم ا »
 دیتلم که صوره : « شو صبح تا ایتوتور
 دیتوتور کوزلی کوزلی کوزلی
 ؛ کوزلی کوزلی کوزلی کوزلی
 ؛ کوزلی کوزلی کوزلی کوزلی »

اینگنی یصاف

« : انا ان انا حق حقا ان انا »
« ان انا ان انا ان انا ان انا »
: ان انا ان انا ان انا ان انا :

ان انا ان انا ان انا ان انا
ان انا ان انا ان انا ان انا
ان انا ان انا ان انا ان انا

• اولاً بر آلودگی : جسم و جگر و کلیه اعضا را با آب گرم
 ... در آب گرم با دستها و پاها را بشوید
 ؛ اولاً بر آلودگی : جسم و جگر و کلیه اعضا را با آب گرم
 ؛ اولاً بر آلودگی : جسم و جگر و کلیه اعضا را با آب گرم

• در صورتی که حالت کلیه اعضا را با آب گرم
 ... در آب گرم با دستها و پاها را بشوید
 ؛ اولاً بر آلودگی : جسم و جگر و کلیه اعضا را با آب گرم
 ؛ اولاً بر آلودگی : جسم و جگر و کلیه اعضا را با آب گرم

صورتی که

• بوجوش برانیتام آای دیکور عمر دلدن .
 • خچر صآن ذوقی باشقه بر ذوقی جلاله ؛
 • بوگون آرتور منای ایزر سعادتدن .
 او مسروف مسرت کونلک یاد ملامتله

••••• بویون بر عمر زهر آلود
 بویون بر عمر مندو حایه قهر و منیت آلتده ؛
 قاراقی بر صاوت ، بر شتاب خاطر و سرودد ؛
 جزین بر عقده مشکوکت نیتت حیاتده :

بویون بر عمر گذشت

• بو تون بر سر کذبست انگاران آغلان زکاجنده .
 • بو ستمای تظالم ، ایشته اقصای رواقینه ،
 : بو تون بر سر کذبست انگاران آغلان زکاجنده .

• بو تون بر سر کذبست انگاران آغلان زکاجنده .
 • بو ستمای تظالم ، ایشته اقصای رواقینه ،
 : بو تون بر سر کذبست انگاران آغلان زکاجنده .

• یوق یوقی راجی ، اوت ، آوت ، آوت
 ؛ میتور ، لکی ، ضکی ، ضکی ، ضکی ، ضکی
 : یوقی ، یوقی ، یوقی ، یوقی ، یوقی ، یوقی
 ؛ یوقی ، یوقی ، یوقی ، یوقی ، یوقی ، یوقی

کوتور ، کوتور ، کوتور ، کوتور ، کوتور ، کوتور
 ؛ کوتور ، کوتور ، کوتور ، کوتور ، کوتور ، کوتور
 ؛ کوتور ، کوتور ، کوتور ، کوتور ، کوتور ، کوتور
 ؛ کوتور ، کوتور ، کوتور ، کوتور ، کوتور ، کوتور

کوتور

• مکتوبات و رسائل
 مکتوبات و رسائل
 مکتوبات و رسائل

مکتوبات و رسائل
 مکتوبات و رسائل
 مکتوبات و رسائل

~~~~~  
 مکتوبات و رسائل

• ארבעה עשר יום ימים  
 • ויהי ערב ויהי בקר  
 • ויהי ערב ויהי בקר  
 : והיה ערב ויהי בקר

• ויהי ערב ויהי בקר  
 ; ויהי ערב ויהי בקר  
 • ויהי ערב ויהי בקר  
 • ויהי ערב ויהי בקר

אשר

او پاره بر پاره شده است  
ایستاده ایستاده ایستاده  
سن او ظاهر است ایستاده

آه ای سر سبز حریف  
سوی کوه رفته ایستاده  
پناه بر جوق تا آینه سوختن

شاهنشاهی شاهنشاهی شاهنشاهی  
 شاهنشاهی شاهنشاهی شاهنشاهی  
 شاهنشاهی شاهنشاهی شاهنشاهی  
 شاهنشاهی شاهنشاهی شاهنشاهی

شاهنشاهی شاهنشاهی شاهنشاهی  
 شاهنشاهی شاهنشاهی شاهنشاهی  
 شاهنشاهی شاهنشاهی شاهنشاهی  
 شاهنشاهی شاهنشاهی شاهنشاهی

بوده برامل

۱. کتبی که در این کتاب است  
جذب می شود و این کتاب  
در صورتی که در دسترس  
باشد

• کتبی که در این کتاب  
است  
در دسترس  
است

• شو آغلا مقدم شدمین کوزومده .  
 ، ای جواب ، کوزومده بر آن کس کوزومده ، ای جواب ،  
 آخر بر طاقم باره کوزومده .  
 طولاشد شقه برض برتجه و برتجه

• او صبح برتجه برتجه برتجه برتجه  
 ، او یوشسون رحیق سکو بکله ایصان ،  
 طولاشی کاسه برتجه برتجه  
 ، ای جواب ، ای جواب ، ای جواب ،

ای جواب

۱. در روز دوشنبه من سه روز از خواب بیدار شدم  
 ۲. در روز سه شنبه من چهار روز از خواب بیدار شدم  
 ۳. در روز چهارشنبه من پنج روز از خواب بیدار شدم

... در روز پنجشنبه من شش روز از خواب بیدار شدم  
 در روز شنبه من هفت روز از خواب بیدار شدم  
 در روز یکشنبه من هشت روز از خواب بیدار شدم

! ایشیا : در بر طریقه درین قوه قیاسی و قوه برهانیه  
 بیانات ۱۰۰۰۰ مسموم ، آنگاه برزخ ، مسموم ،  
 ، تالیفات سقراط ،  
 ، تالیفات سقراط ،  
 ، تالیفات سقراط ،

• تالیفات سقراط ،  
 ؛ معانی سقراط ،  
 ، معانی سقراط ،  
 ؛ تالیفات سقراط ،  
 ، معانی سقراط ،

تالیفات سقراط



بنی یوسف صاندی صاندی ، آی محمد محمد آلوده ؟  
 بر تاجی تفرقه گوئی ، نام بی سود ،  
 تقدیرسی اندیشه سازه عالیه ای !

• و معنای و معنی  
 بود بر شمس و شمس  
 ؛ و این است  
 ؛ شمس است  
 ؛ طویلی است  
 ؛ شمس است

• و شمس است  
 ؛ و شمس است  
 ؛ و شمس است  
 ؛ و شمس است

طویلی

بندین افسوس فی ہر ماہ سکا !  
فارہ طویراق ، حقیقی دلدار ؛  
بجہ تہاں استقامتدار ،

بہارین وارہ سادہ سنی تہا ؛  
نکا تہا سیرور تہا ویرور تہا  
سہی اسکا سادہ تہا اتہا

~~~~~  
رہا تہا

۲۰۰۰ در تاجیکستان
 ، در ۲۰۰۰ در تاجیکستان
 ، ۲۰۰۰ در تاجیکستان
 ، در ۲۰۰۰ در تاجیکستان
 : در ۲۰۰۰ در تاجیکستان
 ، در ۲۰۰۰ در تاجیکستان
 ؛ در ۲۰۰۰ در تاجیکستان
 ، در ۲۰۰۰ در تاجیکستان
 ؛ در ۲۰۰۰ در تاجیکستان

در تاجیکستان

- ... جنت خلدی آراستی جنت خلدی
 • بر کوی بو سکو بتاه آراستی کئی قانی
 • جیوف سکو بت :
 صافی ، اکله بر قاررک آلتده جوان
 • یوسکده بر ایجه دو مان ، مانی و معدود
 اوستیده فرسوده ، صمدیه او خاندن
 بر کله مسعود ؛
 ستر ایلورم چشم جیاله او زانیدن

بر آن حضور

• ایامی که در آنجا است
 دوستان سوزان او را در این
 و در آنجا که در آنجا
 بنام سوزان است که در آنجا

• در همه کس که در این عالم است
و در همه کس که در این عالم است
و در همه کس که در این عالم است

؛ در همه کس که در این عالم است
و در همه کس که در این عالم است
و در همه کس که در این عالم است

• او کستان بویون سراسر اولدی .
 ؛ بر هوس طوملاشم او نوری بی ؛
 کینکاکه روجه جتاندن
 ؛ هب او معشوقه لر بران اولدی ؛

• بر شاه سکون و حسرت آران .
 ؛ هشی قلمده شیمدی بر مدقن ؛
 ؛ آک صمیمی خجلاقی قدر ؛
 ؛ آک خرقه آملاردن هشی ؛

بر سینه

« : لایونولوم : قوی و جود او » : لایونولوم : دینه
 ، و لایونولوم : قوی و جود او
 ، و لایونولوم : قوی و جود او
 ، و لایونولوم : قوی و جود او
 ، و لایونولوم : قوی و جود او

• لایونولوم : قوی و جود او
 ، و لایونولوم : قوی و جود او
 ؛ و لایونولوم : قوی و جود او
 ، و لایونولوم : قوی و جود او

• لایونولوم : قوی و جود او
 ، و لایونولوم : قوی و جود او
 ؛ و لایونولوم : قوی و جود او
 ، و لایونولوم : قوی و جود او

! : لایونولوم : قوی و جود او
 ، و لایونولوم : قوی و جود او
 ، و لایونولوم : قوی و جود او
 ، و لایونولوم : قوی و جود او

؛ شاهان و پادشاهان ، و پادشاهان
 پادشاهان و پادشاهان
 ؛ پادشاهان و پادشاهان
 پادشاهان و پادشاهان

... پادشاهان و پادشاهان ، پادشاهان و پادشاهان
 ؛ پادشاهان و پادشاهان
 پادشاهان و پادشاهان ، پادشاهان و پادشاهان
 ؛ پادشاهان و پادشاهان ، پادشاهان و پادشاهان

« ؛ پادشاهان و پادشاهان ، پادشاهان و پادشاهان
 پادشاهان و پادشاهان ، پادشاهان و پادشاهان
 ؛ پادشاهان و پادشاهان ، پادشاهان و پادشاهان
 ، پادشاهان و پادشاهان ، پادشاهان و پادشاهان

۰۰۰ لوهه ده ایتده ته...

، لایم ، متیگی

او ختالات پریتسا اگاه

، بن یونیون پر ختالات جو شیشی اجزا انا اگاه

• او یوتیوور های د کی

، بر خوجوق روحی قدر شیمی منور ، الکتریسیته

، بر خوجوق روحی قدر پر انا اگاه

؛ صاف ورا اگاه... هانی آفتابگی تیر ، هتانی

های د کی

یوق ، بولاندیرسامرین آلوده ظلمت بو نظر
 روح مصومگی ، ای مائی دکان ؛
 آه ، اکی نه ضرر ؛
 بن بو کوزله مکدر ، عاجز ،
 سکا باقدیچه تسلی بولورم ، آلداتیرم :
 مائی بر کوز آلم قلمجه آغلار صابونیم .

۱. در تمام این کتابها که در این کتابخانه است
 و در تمام این کتابها که در این کتابخانه است
 و در تمام این کتابها که در این کتابخانه است
 و در تمام این کتابها که در این کتابخانه است

: تفتیشیه حکومتیه و سوسائتی آنرا در سوسائت ایران

: احوال و عیال و کسب و کار و سایر امور

و عیال و کسب و کار و سایر امور

و عیال و کسب و کار و سایر امور

و عیال و کسب و کار و سایر امور

: و عیال و کسب و کار و سایر امور

: و عیال و کسب و کار و سایر امور

و عیال و کسب و کار و سایر امور

چیتار ، برآزده شو او کوز کتینین ، آکلینین ؛
 برآز کوز کتینین
 شو روی زرد سفالت ... آوت ، مستدر
 چو جوقه لک باقی ؛ لکن سنک سونجکل
 سو تیمور شویتم و آعلیور ... جوقه ، دیکله ؛

• لیجہ و سنیہ کی سہولتوں سے مراد ہے کہ ان کو
 لکھنا آسان ہے اور پڑھنا مشکل ہے اور ان کو
 : ہرگز نہ لکھنا پڑے گا اور نہ پڑھنا

• : ان کی سہولتوں سے مراد ہے کہ ان کو
 ؛ ہرگز نہ لکھنا پڑے گا اور نہ پڑھنا
 : ہرگز نہ لکھنا پڑے گا اور نہ پڑھنا

: حقیقہ

• یونان اشونان
 : فرادا حقیقت سنکره سوسر یونان
 ؛ اشونان اشونان اشونان اشونان اشونان
 اشونان اشونان اشونان اشونان اشونان
 اشونان اشونان اشونان اشونان اشونان
 اشونان اشونان اشونان اشونان اشونان
 اشونان اشونان اشونان اشونان اشونان
 اشونان اشونان اشونان اشونان اشونان
 اشونان اشونان اشونان اشونان اشونان

• اشونان اشونان اشونان اشونان اشونان
 اشونان اشونان اشونان اشونان اشونان
 اشونان اشونان اشونان اشونان اشونان
 اشونان اشونان اشونان اشونان اشونان
 اشونان اشونان اشونان اشونان اشونان

شعر صوفیوں کی طرف سے لکھا گیا ہے
 شمسی : شمسی : شمسی : شمسی :
 شمسی : شمسی : شمسی : شمسی :
 شمسی : شمسی : شمسی : شمسی :

- شمسی : شمسی : شمسی : شمسی :
 شمسی : شمسی : شمسی : شمسی :
 شمسی : شمسی : شمسی : شمسی :
 شمسی : شمسی : شمسی : شمسی :

شمسی : شمسی : شمسی : شمسی :

• بترتبه ای که اینها را
 به این ترتیب می‌نویسند
 • در این ترتیب
 • در این ترتیب

••• به این ترتیب
 • در این ترتیب
 • در این ترتیب
 • در این ترتیب

• در این ترتیب
 • در این ترتیب
 • در این ترتیب
 • در این ترتیب

؛ آنچه شکر است از اجتناب از لذت و استیلا و لذت : از آن است
؛ آنچه بر تریب است و از آن است که در آن است : از آن است

• • • • •
؛ • • • • •
• • • • •
• • • • •
؛ • • • • •
• • • • •
؛ • • • • •
• • • • •

سخن احتیاجی

• • • • • ایستاده بر سپهره بوزانی او عالمیده •
 • • • • • بو و هم آلود بر عالمیت که نکیر عالمت قیرت قیرت •
 • • • • • حقیقت عالمی او الاز دینه ادا که بر ذره •
 • • • • • کاشفان عمارت بر یخی بر آتشا •
 • • • • • بویون روحیده صانع بر خادیت اولور ایلچ •

• لیا اے قیلا جی کھو؟ سہ سہ پتیا
 ؛ لپٹو سہ راجہ ، استیو سہ پتیا
 لپا کھو قیلا : سہ سہ پتیا
 ۰۰۰ سہ سہ پتیا ۰۰۰ سہ سہ پتیا

• تہ تہ سہ پتیا لپا کھو سہ پتیا
 تہ تہ سہ پتیا : سہ سہ پتیا
 ۰۰۰ سہ سہ پتیا ۰۰۰ سہ سہ پتیا

سہ سہ پتیا لپا کھو

و در خرد سینه ای که در سینه است
و در خرد سینه ای که در سینه است
منطقه سینه ای که در سینه است

بنا بر این که سینه ای که در سینه است
اولاً بر سینه ای که در سینه است
اگر چه سینه ای که در سینه است

: این که سینه ای که در سینه است
سینه ای که در سینه است
سینه ای که در سینه است

رمضان

• بو کو این عهد بشوہ بختادر
کوستیر بر لای خندانی :
کوستیر دست سینه داریان

• کو رور انظار که نایان
اوزمان صانکه صافی بر دانی
که بر خندانی تاشادر

• سیر فرود سحریت اندر
سرمای بر صفای رویان
صفتی برده برده برده

• حقیقی چشمه دانه
پتاک جتو ح و خلو ص و حرمه
متصل دکی اندر ، عادت اندر ؛

؛ بر امیر خندان برورده ؛
؛ اویان ، پتاکه راحت و جوانه ؛
؛ لب جاموشی لریانه درود ؛

• تمیز آنرا از سایر اشیاء مستحقه
 • و در حق آنرا نیز در حدیث آمده است
 • و اینست که در حدیث آمده است

• در حدیث آمده است که هر چه
 • از آن است که در حدیث آمده است
 • و در حدیث آمده است که هر چه

• رختتیر آب و خون سگر مرصه ای که آید شوش
 ... رختتیر آب و خون سگر مرصه ای که آید شوش
 در آب و خون سگر مرصه ای که آید شوش
 در آب و خون سگر مرصه ای که آید شوش
 در آب و خون سگر مرصه ای که آید شوش
 در آب و خون سگر مرصه ای که آید شوش
 در آب و خون سگر مرصه ای که آید شوش
 در آب و خون سگر مرصه ای که آید شوش
 در آب و خون سگر مرصه ای که آید شوش
 در آب و خون سگر مرصه ای که آید شوش
 در آب و خون سگر مرصه ای که آید شوش

سپتیه

؛ و قیوم آفریننده او را در حالی که او را در آفرینش و بقا
 اینها را در زمین آفریننده او را در آفرینش و بقا

• عبادت او را در هر حال و در هر حال و در هر حال
 و عبادت او را در هر حال و در هر حال و در هر حال
 آفریننده او را در آفرینش و بقا و در هر حال
 آفریننده او را در آفرینش و بقا و در هر حال
 آفریننده او را در آفرینش و بقا و در هر حال
 آفریننده او را در آفرینش و بقا و در هر حال
 آفریننده او را در آفرینش و بقا و در هر حال
 آفریننده او را در آفرینش و بقا و در هر حال
 آفریننده او را در آفرینش و بقا و در هر حال

• عبادت او را در هر حال و در هر حال و در هر حال
 آفریننده او را در آفرینش و بقا و در هر حال
 آفریننده او را در آفرینش و بقا و در هر حال
 آفریننده او را در آفرینش و بقا و در هر حال
 آفریننده او را در آفرینش و بقا و در هر حال
 آفریننده او را در آفرینش و بقا و در هر حال
 آفریننده او را در آفرینش و بقا و در هر حال
 آفریننده او را در آفرینش و بقا و در هر حال
 آفریننده او را در آفرینش و بقا و در هر حال
 آفریننده او را در آفرینش و بقا و در هر حال

• در کتب معتبره بر خواجه امیرالمؤمنین علیه السلام در بیان
 صفات او در کتب معتبره در بیان آنست که در کتب معتبره
 ... در کتب معتبره در بیان آنست که در کتب معتبره
 در کتب معتبره در بیان آنست که در کتب معتبره
 در کتب معتبره در بیان آنست که در کتب معتبره
 در کتب معتبره در بیان آنست که در کتب معتبره

• لعل سبز و جلاش صندل و قند و زعفران
 و پسته و بادام و کشمش و گلاب
 و لعل و صندل و قند و زعفران
 و پسته و بادام و کشمش و گلاب

• قند و صندل و قند و زعفران
 و پسته و بادام و کشمش و گلاب
 و لعل و صندل و قند و زعفران
 و پسته و بادام و کشمش و گلاب

بنفشه

؛ در طول مسلامت — : اسامی باارادان : برستف
بعنا طور مسلامت برقیته ، ناگهان
قالان غنوده برقیته برقیته حسن شان ؛

• یوزلده ، سونگولده ، قیلخده برقیته اورور
صلطانه برقیته خندان مغنوت
؛ طولمان یوزور کتیبه رختان مغنوت ؛

• تیر و دانسته و اورا
 مال • حقایق • حقیقتی که بر خور
 قوه خرد است اولی است
 • اولی است که بر خور
 قوه خرد است اولی است

! به حقیقتی که
 • در این دنیا
 • در این دنیا
 • در این دنیا

حقیقت

• نیر به منجه و منجه و منجه
 • منجه و منجه و منجه
 • منجه و منجه و منجه
 • منجه و منجه و منجه

• منجه و منجه و منجه
 • منجه و منجه و منجه
 • منجه و منجه و منجه
 • منجه و منجه و منجه

منجه و منجه

...: آفتورمستراك ، آفتورمستراك ، آفتورمستراك ، آفتورمستراك

، آفتورمستراك ، آفتورمستراك ، آفتورمستراك ، آفتورمستراك

آفتورمستراك ، آفتورمستراك ، آفتورمستراك ، آفتورمستراك

، آفتورمستراك ، آفتورمستراك ، آفتورمستراك ، آفتورمستراك

، آفتورمستراك ، آفتورمستراك ، آفتورمستراك ، آفتورمستراك

آفتورمستراك ، آفتورمستراك ، آفتورمستراك ، آفتورمستراك

: لایحه استیضاح و تحقیق در خصوص
مجلس شورای ملی و هیئت مدیره آن

؛ و در خصوص هیئت مدیره و هیئت
مدیره آن

... به هیئت مدیره و هیئت مدیره
مجلس شورای ملی و هیئت مدیره آن
؛ و در خصوص هیئت مدیره و هیئت
مدیره آن

سایه یقین

• بکار سراسر است
 و بکار استاده است
 و بکار استاده است
 و بکار استاده است

• بکار استاده است
 و بکار استاده است
 و بکار استاده است
 و بکار استاده است

؛ کوه‌ها را این‌ها بدیدند و در کوه‌ها
 قوتشان صدساله از کوه‌ها
 ؛ کوه‌ها را دیدند و در کوه‌ها
 ؛ کوه‌ها را دیدند و در کوه‌ها

« ... » اولادى خسته ناله اولادى اولادى اوستى
 بو استلا ؛ بو استلا ؛ بو استلا ؛ بو استلا ؛ بو استلا ؛
 اولادى ؛ اولادى ؛ اولادى ؛ اولادى ؛ اولادى ؛ اولادى ؛
 اولادى ؛ اولادى ؛ اولادى ؛ اولادى ؛ اولادى ؛ اولادى ؛

بو اولادى ؛ بو اولادى ؛ بو اولادى ؛ بو اولادى ؛ بو اولادى ؛
 بو اولادى ؛ بو اولادى ؛ بو اولادى ؛ بو اولادى ؛ بو اولادى ؛
 بو اولادى ؛ بو اولادى ؛ بو اولادى ؛ بو اولادى ؛ بو اولادى ؛
 بو اولادى ؛ بو اولادى ؛ بو اولادى ؛ بو اولادى ؛ بو اولادى ؛
 بو اولادى ؛ بو اولادى ؛ بو اولادى ؛ بو اولادى ؛ بو اولادى ؛

اولادى ؛ بو اولادى ؛ بو اولادى ؛ بو اولادى ؛ بو اولادى ؛

• در سینه است ای که در سینه است
 در سینه است ای که در سینه است
 « ۰۰۰ : در سینه است ای که در سینه است »
 « در سینه است ای که در سینه است »

؛ در سینه است ای که در سینه است
 ؛ در سینه است ای که در سینه است
 ؛ در سینه است ای که در سینه است
 : در سینه است ای که در سینه است

«تو ای» زوالی

«اوت اوته اوته اوته» : د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه
 او په دې لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه
 : د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه

• د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه
 د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه
 د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه د لاسه

• در کتب معتبره که در این باب در آنجا در آورده اند
 که در این باب در آنجا در آورده اند
 که در این باب در آنجا در آورده اند
 که در این باب در آنجا در آورده اند

• در کتب معتبره که در این باب در آنجا در آورده اند
 که در این باب در آنجا در آورده اند
 که در این باب در آنجا در آورده اند
 که در این باب در آنجا در آورده اند

روایت

۰۰۰ ؟ یوقاری بو قاری ، نه ایستیر او نایزه دن بو قاری ؟
 ؛ یوقاری بو قاری ، نه ایستیر او نایزه دن بو قاری ؟
 ؛ یوقاری بو قاری ، نه ایستیر او نایزه دن بو قاری ؟
 ؛ یوقاری بو قاری ، نه ایستیر او نایزه دن بو قاری ؟
 ؛ یوقاری بو قاری ، نه ایستیر او نایزه دن بو قاری ؟
 ؛ یوقاری بو قاری ، نه ایستیر او نایزه دن بو قاری ؟

• مقصد از اینست که در صورتیکه این کتاب
 و مقصد از اینست که در صورتیکه این کتاب
 در صورتیکه این کتاب در صورتیکه این کتاب

؛ در صورتیکه این کتاب در صورتیکه این کتاب
 و مقصد از اینست که در صورتیکه این کتاب
 در صورتیکه این کتاب در صورتیکه این کتاب

... در صورتیکه این کتاب در صورتیکه این کتاب
 و مقصد از اینست که در صورتیکه این کتاب
 در صورتیکه این کتاب در صورتیکه این کتاب

- مقصد از اینست که -

شاهنامه

۰۰: در آینه شایسته و سحرآمیز که در آن کوه
؛ از آنجا که در آنجا ، از آنجا که در آنجا
بهر آنکه در آنجا ، از آنجا که در آنجا

• در آنجا که در آنجا ، از آنجا که در آنجا
؛ از آنجا که در آنجا ، از آنجا که در آنجا
بهر آنکه در آنجا ، از آنجا که در آنجا

• در آنجا که در آنجا ، از آنجا که در آنجا
؛ از آنجا که در آنجا ، از آنجا که در آنجا
بهر آنکه در آنجا ، از آنجا که در آنجا

۰۰۰: در آنجا که در آنجا ، از آنجا که در آنجا
بهر آنکه در آنجا ، از آنجا که در آنجا
بهر آنکه در آنجا ، از آنجا که در آنجا

• در آنجا که در آنجا ، از آنجا که در آنجا
؛ از آنجا که در آنجا ، از آنجا که در آنجا
بهر آنکه در آنجا ، از آنجا که در آنجا

آی کوزل معدن ، آی اوج ، آی لریز
، آی شمشاد آمل ، آی شمشاد آمل ، آی شمشاد آمل

• حرمت بر حدیث
— هب او اولی قیره محسونا —
بن استیله شمدی هسکدن
، قهر پتو شکره
صاحب مالکانه بیروت ؛

« : اناسان خسران اولور بر دیردم ، دیردم ، دیردم »
: اناسان اولور بر دیردم ، دیردم ، دیردم
بوله شمدی او سرسری بونون
: هب او اولی بن ، او سرسری بونون ؛
: سو دیردی بونون ؛
آه : بونون شو اناسان بونون

• : اناسان هسکدن اولور قهر اولور
، شمدی حی ایلتور قهر ، شمدی حی ایلتور قهر
: اناسان اولور ، اناسان اولور ، اناسان اولور
: اناسان اولور ، اناسان اولور ، اناسان اولور
: اناسان اولور ، اناسان اولور ، اناسان اولور
: اناسان اولور ، اناسان اولور ، اناسان اولور
: اناسان اولور ، اناسان اولور ، اناسان اولور

با تو مویشا بندن او با آلت بندن !
 وارسه حتی بشده بر وجدان :

• روحی آخساده باغلا تان تالار .
 • ای کو زول خوصا فسوف برور ،
 • هتج هینه شینه یوقه سندن بندن ،
 • عتاه رهز بندن — دیر لره — باره :

... آغلاستین کنیدی ضعیف و ذلتیه

• فاشلان بجه تهره تهره
 • آله قوی ، آله کنه بده بان مام
 • آخسار آله بجه سب ابرام
 • سر فزول تار شبر اهله !
 • شکر و منت بر سر شبر و جنو اهله ،
 • بتر های شبر استگده حیات ؛
 • ای معوز ملکه موسات ،
 • بشریت قوشار ، کلر سسکه
 • سکا اعلا تان عیظ آیدرده تیه
 • آله مشعشع عیرتسک ؛
 • خانج انیسام شبرتسک ،
 • رهز راح سعادتسک ،
 • به یونوک بر دتل قندر تسک ،
 • کولتور کی یونوک استینال ؛
 • کتسه شکره زانک بخر آمیز

: اوستی سرخه ۱۰ ، اوهلو ۱۰ ، اوشه ۱۰ ، او
 : و باق ۱۰ ، دوشه ۱۰ ، سنی ۱۰ ، یقی ۱۰ ، او
 • . شقی ۱۰ ، ایشی ۱۰ ، ایشی ۱۰ ، ایشی ۱۰ ، او
 ایشی ۱۰ ، او ۱۰ ، او ۱۰ ، او ۱۰

۰۰۰ سرور و سرور و سرور
 طوری صورتی آنی
 بر اجتناب از راه و برده
 حیات آنجا در حیات

بر آن عالم شود روح و قلبی
 ایستاده است
 بر آن حیات و حیات
 بر آن حیات و حیات

بر آن عالم

• برآز بولتاڻ سڙهائڻ سڙهائڻ سڙهائڻ
 برآز بولتاڻ سڙهائڻ سڙهائڻ سڙهائڻ
 سڙهائڻ سڙهائڻ سڙهائڻ سڙهائڻ
 سڙهائڻ سڙهائڻ سڙهائڻ سڙهائڻ

در وقت سحر که صد بار بگوید
 ؛ در وقت سحر و سحر بر سر آید
 ، آری سحر ۱۰۰ بار بگوید
 ، آری سحر ۱۰۰ بار بگوید
 . در وقت سحر ۱۰۰ بار بگوید
 ، در وقت سحر ۱۰۰ بار بگوید
 ، در وقت سحر ۱۰۰ بار بگوید
 ؛ در وقت سحر ۱۰۰ بار بگوید
 . در وقت سحر ۱۰۰ بار بگوید

جمله بوم

... کتبی کتب و کتب ...
 صوفیه ، مشهور ، با لفظ ...
 باقی او در این زمینه عکس آید ؛
 بر کوفی و کوفی ، بر مده ...
 تیرتیر و در ...
 کتبی و کتبی ...
 مانند ...
 و جلالت آینه بن مشهور .

... حیات عالی خستجو ...
 — هشی مشهور به قهر و غضب ، —
 و کتبی ، کتبی ، کتبی ...
 و کتبی ...

... ۱۲۸۷ هجری قمری بمبئی بمبئی
 در کتب معتبره و معتبره و معتبره
 در کتب معتبره و معتبره و معتبره
 در کتب معتبره و معتبره و معتبره
 در کتب معتبره و معتبره و معتبره

... ۱۲۸۷ هجری قمری بمبئی بمبئی
 در کتب معتبره و معتبره و معتبره
 در کتب معتبره و معتبره و معتبره
 در کتب معتبره و معتبره و معتبره

تتال جتال

برجوف شاهانه
آتشدهی بو منظر بی خبری تینفر
یتکل خله کوهانه
مسلمانان شای ادهی حاجتلی

۰۰۰ شاهای یخاردی ایدر لر دی
آشمار و قیون ش او دود ایدر ده مهتر
آقاردی جلالت
بر خرات و بخت
بظنندن او خان زهر برودوله
تیره رده دی خوراندگی ، شیشه نده کی آتیش

بظنندن او خان زهر برودوله و وحیت و
آلانق بو زینتلی خسته خوراندگی
غیاثده ، آقاردی بو یون کینده عودت
کوهانه ، باغتر ، طاعنه ، خورشیده صلاسی

ای کاشک بتامین بز خینه مغرور صنته! ا
 — طور رفته رفته که — همیشه انان واق، هر نشسته من به جوهر —
 شو عالی سالی بی جواب و راحت ایسته غیظ افشان
 و در سو بر و با بر سو و
 بوقون این ای جنت ای مظهر
 سکون ای رعد و برق، ای صحر و صحر و اول، ای شان!

به جز بن عکسی ایدر سده ششم خردک
خوف بر نالشی جز اینده
ضربان سینه طری در دهک

• قضا آنچه از این درین .
دیکله شکر و ای روح مخور می ؛
دیکله ، روحی رسته ،
: دیکله ، دیکله ، دیکله ،
شوش و آلمی ، قهریق ریانه درین
بوالی بر جوخه عناد دیکله

صوالک تیمه

Handwritten text in a non-Latin script, possibly Arabic or Persian, located in the center of the page.

• در این کتاب آمده است که در این کتاب
 و در این کتاب آمده است که در این کتاب
 و در این کتاب آمده است که در این کتاب

• در این کتاب آمده است که در این کتاب
 و در این کتاب آمده است که در این کتاب
 و در این کتاب آمده است که در این کتاب

: در این کتاب آمده است که در این کتاب

— ۱۳۱۷ تا ۱۳۱۸ —

• در این دوره ...
: ...
؛ ...

؛ ...
؛ ...
• ...

رابطه ...

۰۰۰ مینستادی مینستادی
خوانب مهانی بر مینره ،
بو یول بویه صاعده بر مینره ؛

• سنور ، منند ، یورورد
؛ هب خاقیل ، هب دتلی ،
اوکلم بر یوقوشی ، هب خاقیل ،
دکالانج ، ختین ، طالبی بر ساجده دن ؛
یورورد بر آن کوج ، بر آن فی جنور

-- جریته یولده --

ایز

-- ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ --

• کوه کوه بزم شاه و بزم بزم شاه
 : همه بزم شاه و بزم شاه
 ؛ همه بزم شاه و بزم شاه

• کوه کوه و کوه کوه
 ؛ کوه کوه و کوه کوه : کوه کوه
 ؛ کوه کوه و کوه کوه
 کوه کوه و کوه کوه

و تکراره در این راه که در این راه است
و تکراره در این راه که در این راه است

... و تکراره در این راه که در این راه است
و تکراره در این راه که در این راه است
و تکراره در این راه که در این راه است
و تکراره در این راه که در این راه است

و تکراره در این راه که در این راه است
و تکراره در این راه که در این راه است
و تکراره در این راه که در این راه است

دوستان

۰۰۰ مسکوکات چنده بس ۱۶۹۰ : اوقاف و خیرات مسکوکات
: مسکوکات چنده بس ۱۶۹۰ : مسکوکات چنده بس

• چنده بس مسکوکات چنده بس : مسکوکات چنده بس
خیرات چنده بس

؛ چنده بس مسکوکات چنده بس : مسکوکات چنده بس
چنده بس مسکوکات چنده بس

؛ مسکوکات چنده بس : مسکوکات چنده بس
چنده بس مسکوکات چنده بس : مسکوکات چنده بس
: مسکوکات چنده بس : مسکوکات چنده بس
: مسکوکات چنده بس : مسکوکات چنده بس

؛ مسکوکات چنده بس : مسکوکات چنده بس
چنده بس مسکوکات چنده بس : مسکوکات چنده بس
: مسکوکات چنده بس : مسکوکات چنده بس
: مسکوکات چنده بس : مسکوکات چنده بس
: مسکوکات چنده بس : مسکوکات چنده بس
: مسکوکات چنده بس : مسکوکات چنده بس

نظر لرم سنی حاجی به چکماک استی ؛ سنی
 صا ایتاه او بوی ؛ چو تکه لیک و پیر صده
 امتدی کسی ، بجی کو بروم و بوشی مجتهدمه
 بر ایتاظم اولور شهنه سز ؛ — او کون بندن
 بن اوله مشی بیتاه اوله سزم ، حیاه پاک اوله کون
 شو ناشی چهره ملت بر آن کور سزم — او کون
 بر اهتر از ایستاه ستیکتوب شو طوقی ،
 مقدراتی قوی بر آلی قوی ، حقی
 اکر بو عکاتیک ستیکتوب شوناصیه -
 بو عکاتیک بر کون صیاح اولور سزم ، جلوقی ،

..... اولور سزم صیاح

بر خاله نکاحی ... هر قدر بیشتر
افکار اولاد ؛ حیات نفس شخصی فکر آید
اولاد حیات تازه کند : بر اولاد

• تا بر ... ؛ و بیشتر
اولاد او بیشتر ، و بیشتر
انسان اینچنین به در ... ؛ اولاد ، انسان هر طور
موجود ؛ اولاد ، اولاد ؛ اولاد ، اولاد
بر جسم اولاد ؛ اولاد ؛ اولاد ؛ اولاد
اولاد ... اولاد ؛ اولاد ؛ اولاد ؛ اولاد

اولاد ... ؛ اولاد ؛ اولاد ؛ اولاد

• ساینس و فلسفه
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس

• فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس

• فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس
 • فلسفه و ساینس

• بحکایه بقره مترا ، امر بن قان ، یسجونه بر
 : این آیه بر ان صان بر آیه ، باجود ، صانه ،
 • خانی بر یسجونه ، بر یسجونه ، خانی
 به دستور کد اقی : آدم اولادی

اولادمان سبب به بن مسعود :
 بر یسجونه ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
 اولادمان سبب : « دین فیتور اولاد
 ، خانی » خانی ، بطور کد ، دینه
 « : مسعود سبب خانی . خانی اولادمان »

— خانی بر یسجونه —

خانی

- ۱ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده
- ۲۰۰۰ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده
- ۳ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده
- ۴ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده
- ۵ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده
- ۶ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده
- ۷ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده
- ۸ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده
- ۹ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده
- ۱۰ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده
- ۱۱ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده
- ۱۲ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده
- ۱۳ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده
- ۱۴ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده
- ۱۵ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده
- ۱۶ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده
- ۱۷ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده
- ۱۸ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده
- ۱۹ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده
- ۲۰ : «سوره نوری» که در کتاب «تفسیر» او آمده

مکتبہ اسلامیہ

؛ اراي . به . تيارت . به . وار . به . دتک . به .
 ؛ اراي . به . تيارت . به . وار . به . دتک . به .
 ؛ اراي . به . تيارت . به . وار . به . دتک . به .
 ؛ اراي . به . تيارت . به . وار . به . دتک . به .
 ؛ اراي . به . تيارت . به . وار . به . دتک . به .
 ؛ اراي . به . تيارت . به . وار . به . دتک . به .
 ؛ اراي . به . تيارت . به . وار . به . دتک . به .
 ؛ اراي . به . تيارت . به . وار . به . دتک . به .
 ؛ اراي . به . تيارت . به . وار . به . دتک . به .
 ؛ اراي . به . تيارت . به . وار . به . دتک . به .

— : به . —

هميشه ام ايجون

• ایچم ز صراغه خجانه یاد ایدوب مکاره چی
 • یخمل ایتور ۰۰۰ آرقی بو بویله کتیلخه
 • شو اون سکن سنه لک دهشت مناجی
 • صو کنده طو بر اوق اولان سکراندهست موچکی
 • زوالی قاردهشم : انسان تصور ایتیلخه

• صورک شو عصمی تسمی ایدن او قاتان
 • بو اعتیاله ، اوت ، مضطربی وجدانی
 • صورک طبیعتی یردی ایدن ازان دلان
 • صورک فضاچی یخمل ایتیلخه
 • بو اعتیاله مضطربی وجدانی

• ا بیرین : لعنت : حکمی حکموت
 • او بویله حال ، او بویله مین
 • قوعامی اسمی : لکن وجدان
 • بر خجانه قو ایتیلخه ، ایدان
 • بر خجانه قو بونو . . . خجانه ، کجانه
 • بونلرک هشی کی بان ایدم خجانه
 • بون ، بولوت ، روح ، طایفه ، طایفه
 • : صراغه ایتیلخه ، صراغه ایتیلخه
 • • دیکله ، دیکله ، سنی ایتیلخه
 • نهده سنی . . . بونو کی دردم

۳۴۰ - ۳۴۱

1. $\frac{1}{x^2} = x^{-2}$; $\frac{d}{dx} x^{-2} = -2x^{-3} = -\frac{2}{x^3}$; $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^2} = -\frac{2}{x^3}$
 2. $\frac{d}{dx} \frac{1}{x} = \frac{d}{dx} x^{-1} = -1x^{-2} = -\frac{1}{x^2}$
 3. $\frac{d}{dx} x^2 = 2x$; $\frac{d}{dx} x^3 = 3x^2$; $\frac{d}{dx} x^4 = 4x^3$; $\frac{d}{dx} x^5 = 5x^4$
 4. $\frac{d}{dx} x^n = nx^{n-1}$; $\frac{d}{dx} x^6 = 6x^5$; $\frac{d}{dx} x^7 = 7x^6$; $\frac{d}{dx} x^8 = 8x^7$
 5. $\frac{d}{dx} \sqrt{x} = \frac{d}{dx} x^{\frac{1}{2}} = \frac{1}{2}x^{-\frac{1}{2}} = \frac{1}{2\sqrt{x}}$
 6. $\frac{d}{dx} \sqrt[3]{x} = \frac{d}{dx} x^{\frac{1}{3}} = \frac{1}{3}x^{-\frac{2}{3}} = \frac{1}{3\sqrt[3]{x^2}}$
 7. $\frac{d}{dx} \frac{1}{\sqrt{x}} = \frac{d}{dx} x^{-\frac{1}{2}} = -\frac{1}{2}x^{-\frac{3}{2}} = -\frac{1}{2x\sqrt{x}}$
 8. $\frac{d}{dx} \frac{1}{\sqrt[3]{x}} = \frac{d}{dx} x^{-\frac{1}{3}} = -\frac{1}{3}x^{-\frac{4}{3}} = -\frac{1}{3x\sqrt[3]{x^2}}$
 9. $\frac{d}{dx} \sqrt{x-1} = \frac{1}{2\sqrt{x-1}}$
 10. $\frac{d}{dx} \sqrt[3]{x-1} = \frac{1}{3\sqrt[3]{(x-1)^2}}$
 11. $\frac{d}{dx} \sqrt{x^2+1} = \frac{x}{\sqrt{x^2+1}}$
 12. $\frac{d}{dx} \sqrt[3]{x^2+1} = \frac{2x}{3\sqrt[3]{(x^2+1)^2}}$
 13. $\frac{d}{dx} \frac{1}{\sqrt{x^2+1}} = -\frac{x}{(x^2+1)^{\frac{3}{2}}}$
 14. $\frac{d}{dx} \frac{1}{\sqrt[3]{x^2+1}} = -\frac{2x}{3(x^2+1)^{\frac{4}{3}}}$
 15. $\frac{d}{dx} \frac{1}{\sqrt{x+1}} = -\frac{1}{2\sqrt{x+1}}$
 16. $\frac{d}{dx} \frac{1}{\sqrt[3]{x+1}} = -\frac{1}{3\sqrt[3]{(x+1)^2}}$
 17. $\frac{d}{dx} \frac{1}{\sqrt{x^2-1}} = -\frac{x}{(x^2-1)^{\frac{3}{2}}}$
 18. $\frac{d}{dx} \frac{1}{\sqrt[3]{x^2-1}} = -\frac{2x}{3(x^2-1)^{\frac{4}{3}}}$
 19. $\frac{d}{dx} \frac{1}{\sqrt{x^2-4}} = -\frac{x}{(x^2-4)^{\frac{3}{2}}}$
 20. $\frac{d}{dx} \frac{1}{\sqrt[3]{x^2-4}} = -\frac{2x}{3(x^2-4)^{\frac{4}{3}}}$
 21. $\frac{d}{dx} \frac{1}{\sqrt{x^2+4}} = \frac{x}{(x^2+4)^{\frac{3}{2}}}$
 22. $\frac{d}{dx} \frac{1}{\sqrt[3]{x^2+4}} = \frac{2x}{3(x^2+4)^{\frac{4}{3}}}$
 23. $\frac{d}{dx} \frac{1}{\sqrt{x^2-9}} = -\frac{x}{(x^2-9)^{\frac{3}{2}}}$
 24. $\frac{d}{dx} \frac{1}{\sqrt[3]{x^2-9}} = -\frac{2x}{3(x^2-9)^{\frac{4}{3}}}$
 25. $\frac{d}{dx} \frac{1}{\sqrt{x^2+9}} = \frac{x}{(x^2+9)^{\frac{3}{2}}}$
 26. $\frac{d}{dx} \frac{1}{\sqrt[3]{x^2+9}} = \frac{2x}{3(x^2+9)^{\frac{4}{3}}}$

1910

• در هر یک از اینها که در کتابها مذکور است
 • در هر یک از اینها که در کتابها مذکور است
 • در هر یک از اینها که در کتابها مذکور است
 • در هر یک از اینها که در کتابها مذکور است
 • در هر یک از اینها که در کتابها مذکور است
 • در هر یک از اینها که در کتابها مذکور است
 • در هر یک از اینها که در کتابها مذکور است
 • در هر یک از اینها که در کتابها مذکور است

• در هر یک از اینها که در کتابها مذکور است
 • در هر یک از اینها که در کتابها مذکور است
 • در هر یک از اینها که در کتابها مذکور است
 • در هر یک از اینها که در کتابها مذکور است
 • در هر یک از اینها که در کتابها مذکور است
 • در هر یک از اینها که در کتابها مذکور است
 • در هر یک از اینها که در کتابها مذکور است
 • در هر یک از اینها که در کتابها مذکور است
 • در هر یک از اینها که در کتابها مذکور است
 • در هر یک از اینها که در کتابها مذکور است

قورقورلای : حقیق و آله حق شیمدی ایستقام ؛
 لکن اونون قاسمین شونق تاریخ سقاااااا :
 بزوقی چتکده بکله بوگون اکلنن اکلنن
 بر لفظه تاخره مایدون بوکونی !

فہرست

از راه های دیگر ... و در این راه
: در راه های دیگر ...

• در راه های دیگر ...
: در راه های دیگر ...
• در راه های دیگر ...
: در راه های دیگر ...

استیسی

• کجی مکتبہ عربیہ اسلامیہ کراچی
؛ لیا ، لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا

• کجی مکتبہ عربیہ اسلامیہ کراچی
؛ لیا ، لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا
• کجی مکتبہ عربیہ اسلامیہ کراچی
؛ لیا ، لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا

؛ کجی مکتبہ عربیہ اسلامیہ کراچی
؛ لیا ، لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا

• کجی مکتبہ عربیہ اسلامیہ کراچی
؛ لیا ، لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا
؛ کجی مکتبہ عربیہ اسلامیہ کراچی
؛ لیا ، لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا

؛ کجی مکتبہ عربیہ اسلامیہ کراچی
؛ لیا ، لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا

• کجی مکتبہ عربیہ اسلامیہ کراچی
؛ لیا ، لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا
• کجی مکتبہ عربیہ اسلامیہ کراچی
؛ لیا ، لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا
• کجی مکتبہ عربیہ اسلامیہ کراچی
؛ لیا ، لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا لیتا

- ۱۳۸۱ • ۱۵ خرداد ۵۸ : شماره -

۱ : احوال و احوال ... احوال و احوال ... احوال و احوال ...
: احوال و احوال ... احوال و احوال ... احوال و احوال ...

... احوال و احوال ... احوال و احوال ... احوال و احوال ...
: احوال و احوال ... احوال و احوال ... احوال و احوال ...
: احوال و احوال ... احوال و احوال ... احوال و احوال ...
: احوال و احوال ... احوال و احوال ... احوال و احوال ...

؛ استقامت و جدوجهد و ایستادگی و ایستادگی
؛ استقامت و جدوجهد و ایستادگی و ایستادگی

... برتری و برتری و برتری و برتری و برتری و برتری
• برتری و برتری و برتری و برتری و برتری و برتری
: برتری و برتری و برتری و برتری و برتری و برتری
: برتری و برتری و برتری و برتری و برتری و برتری

وطني سپاسگزار

۱. انا لله وانا اليه راجعون . اللهم اني اعوذ بك من الهم والحزن .
: انا لله وانا اليه راجعون . اللهم اني اعوذ بك من الهم والحزن .

... اني اعوذ بك من الهم والحزن . اللهم اني اعوذ بك من الهم والحزن .
اني اعوذ بك من الهم والحزن . اللهم اني اعوذ بك من الهم والحزن .
اني اعوذ بك من الهم والحزن . اللهم اني اعوذ بك من الهم والحزن .
اني اعوذ بك من الهم والحزن . اللهم اني اعوذ بك من الهم والحزن .

؛ حقیقت : آنچه می آید بر پنج طوطی است
؛ اعتقاد : اعتقاد : اعتقاد : اعتقاد : اعتقاد

...
؛ حقیقت : حقیقت : حقیقت : حقیقت : حقیقت
؛ اعتقاد : اعتقاد : اعتقاد : اعتقاد : اعتقاد
؛ حقیقت : حقیقت : حقیقت : حقیقت : حقیقت
؛ اعتقاد : اعتقاد : اعتقاد : اعتقاد : اعتقاد

--- در این مکتوب ها چیزی نگویید ---

بر کتب

١٤٦٥

: مصیبتان و درد در شب سوز و سوزنی
 : جنتان او کجا تا آخری بر بنیادین
 : جنتان و جنتان : جنتان و جنتان
 • جنتان و جنتان : جنتان و جنتان
 : جنتان و جنتان : جنتان و جنتان
 : جنتان و جنتان : جنتان و جنتان
 : جنتان و جنتان : جنتان و جنتان
 : جنتان و جنتان : جنتان و جنتان

فصلی

توضیح

« : : : : : »
: : : : : [*]

• : : : : :
: : : : :
• : : : : :

• : : : : :
• : : : : :
: : : : :
• : : : : :
: : : : :
: : : : :

[*] : : : : :
• : : : : :
• : : : : :
• : : : : :
: : : : :
• : : : : :

: : : : :
• : : : : :
• : : : : :

--- ۱۳۱۳ : نارت ۲۵ ---

• او نایک عقیقه حیاتیه دشمندان
 • او حسن اسمیره هفتو نایک، ایزالاند، او
 ••••• دوتین قائلر بیتیه چشمتی او حسن اسمیره
 ••••• بویون بدایع خلقت کورورنسه برترده
 ••••• حکم عاقلانه پیشنده برطوبوق برده :
 ••••• اسمیری اولانی حسن جتالورورده
 ••••• لطفیه سیدر عشقک جز اولله بهار
 ••••• به ارسه عشقی ایشونانور، او کله در پتار :
 ••••• حیاتیه عشقی تاید ایشون سور کورورنور

— ۱۳۱۳ : ستمه ۱۰ —

• کورسده ادرالک ایدمه قسجهتی
• کورسده ادرالک ایدمه قسجهتی
• کورسده ادرالک ایدمه قسجهتی

• کورسده ادرالک ایدمه قسجهتی
• کورسده ادرالک ایدمه قسجهتی
• کورسده ادرالک ایدمه قسجهتی

و شوح و سرور پرورنده و خجسته و خجسته و خجسته و خجسته
 • اورا حسن باطنی و خجسته و خجسته و خجسته و خجسته
 — • خجسته و خجسته و خجسته و خجسته و خجسته
 : خجسته و خجسته و خجسته و خجسته و خجسته
 : خجسته و خجسته و خجسته و خجسته و خجسته
 : خجسته و خجسته و خجسته و خجسته و خجسته

لعم

• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی
• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی

• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی
• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی

• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی
• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی

• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی
• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی

• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی
• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی

• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی
• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی

• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی
• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی

• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی
• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی

• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی
• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی

• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی
• یوشی شیطارت سترسین سترسین طریقی

ندیم : او شمس مناك جزوه خواتمی :
ندیمك ایتمه اناي حیات فانی :

برندن اویاتیر آیوان چنده مشغونی
ظریف برسوزنی ، برسوزنی مشغونه منمونی
میان بزهده برحرف شوح آثار آرادن .
قیزلی دو کونک دم اورر عرمانه سودادن :

ندیم : او بر تکی دهسانه خرم خرم ،
خکوب وساده قی ، قلمش کلاه کوشه قی خیم *
ندیم : او بر تکی دهسانه خرم خرم ،

ندیم : او بر تکی دهسانه خرم خرم ،
خکوب وساده قی ، قلمش کلاه کوشه قی خیم *
ندیم : او بر تکی دهسانه خرم خرم ،
خکوب وساده قی ، قلمش کلاه کوشه قی خیم *
ندیم : او بر تکی دهسانه خرم خرم ،
خکوب وساده قی ، قلمش کلاه کوشه قی خیم *
ندیم : او بر تکی دهسانه خرم خرم ،
خکوب وساده قی ، قلمش کلاه کوشه قی خیم *

— ۱۱ —

• مکتوبه پنهان منتهی •
 : ...
 : ...
 : ...
 : ...

... ..

• ...
 : ...
 • ...
 • ...
 : ...

...

1592-1593



• بر شیطنت طبعیه منتهی است
 • با قافیه و نغمه و کلمات
 • و کلمات و کلمات و کلمات
 • و کلمات و کلمات و کلمات
 • و کلمات و کلمات و کلمات

• و کلمات و کلمات و کلمات
 • و کلمات و کلمات و کلمات
 • و کلمات و کلمات و کلمات
 • و کلمات و کلمات و کلمات
 • و کلمات و کلمات و کلمات

- ۲ -

• و کلمات و کلمات و کلمات
 • و کلمات و کلمات و کلمات
 • و کلمات و کلمات و کلمات
 • و کلمات و کلمات و کلمات
 • و کلمات و کلمات و کلمات

• و کلمات و کلمات و کلمات
 • و کلمات و کلمات و کلمات
 • و کلمات و کلمات و کلمات
 • و کلمات و کلمات و کلمات
 • و کلمات و کلمات و کلمات

• بی تیرتیریه عقیقه رعبه ماه آبل
 • مآینه بر آینه دم شوینده بر آینه
 • کتیب اولو اولو کتیب اولو کتیب
 • مآینه بر آینه کتیب اولو کتیب اولو کتیب

• مآینه بر آینه کتیب اولو کتیب اولو کتیب
 • مآینه بر آینه کتیب اولو کتیب اولو کتیب
 • مآینه بر آینه کتیب اولو کتیب اولو کتیب
 • مآینه بر آینه کتیب اولو کتیب اولو کتیب

• مآینه بر آینه کتیب اولو کتیب اولو کتیب
 • مآینه بر آینه کتیب اولو کتیب اولو کتیب
 • مآینه بر آینه کتیب اولو کتیب اولو کتیب
 • مآینه بر آینه کتیب اولو کتیب اولو کتیب

• مآینه بر آینه کتیب اولو کتیب اولو کتیب
 • مآینه بر آینه کتیب اولو کتیب اولو کتیب
 • مآینه بر آینه کتیب اولو کتیب اولو کتیب
 • مآینه بر آینه کتیب اولو کتیب اولو کتیب

• استیوارت بر شمشاد بر آن
 • استیوارت بر شمشاد بر آن
 • استیوارت بر شمشاد بر آن
 • استیوارت بر شمشاد بر آن
 • استیوارت بر شمشاد بر آن
 • استیوارت بر شمشاد بر آن

- ۵ -

• استیوارت بر شمشاد بر آن
 • استیوارت بر شمشاد بر آن
 • استیوارت بر شمشاد بر آن
 • استیوارت بر شمشاد بر آن
 • استیوارت بر شمشاد بر آن
 • استیوارت بر شمشاد بر آن

• استیوارت بر شمشاد بر آن
 • استیوارت بر شمشاد بر آن
 • استیوارت بر شمشاد بر آن
 • استیوارت بر شمشاد بر آن
 • استیوارت بر شمشاد بر آن
 • استیوارت بر شمشاد بر آن

- ۶ -

« : لم يزل يمشي في سبيل الله »
 « ... في سبيل الله »
 « ... في سبيل الله »
 « ... في سبيل الله »

: لم يزل يمشي في سبيل الله
 « ... في سبيل الله »
 « ... في سبيل الله »
 « ... في سبيل الله »

- ۷ -

« ... في سبيل الله »
 « ... في سبيل الله »
 « ... في سبيل الله »
 « ... في سبيل الله »
 « ... في سبيل الله »

... في سبيل الله

بوسه

« ... في سبيل الله »
 « ... في سبيل الله »

« ... في سبيل الله »

۱. تخیلی و حقیقی و افسانه بر حقیقت طبعی است
 و استیلا و تخیلی است و استیلا و حقیقت و استیلا
 و استیلا و حقیقت و استیلا و حقیقت و استیلا
 و استیلا و حقیقت و استیلا و حقیقت و استیلا

• استیلا و حقیقت و استیلا و حقیقت و استیلا
 و استیلا و حقیقت و استیلا و حقیقت و استیلا
 و استیلا و حقیقت و استیلا و حقیقت و استیلا
 و استیلا و حقیقت و استیلا و حقیقت و استیلا

- ۶ -

• استیلا و حقیقت و استیلا و حقیقت و استیلا
 و استیلا و حقیقت و استیلا و حقیقت و استیلا
 و استیلا و حقیقت و استیلا و حقیقت و استیلا
 و استیلا و حقیقت و استیلا و حقیقت و استیلا

• استیلا و حقیقت و استیلا و حقیقت و استیلا
 و استیلا و حقیقت و استیلا و حقیقت و استیلا
 و استیلا و حقیقت و استیلا و حقیقت و استیلا
 و استیلا و حقیقت و استیلا و حقیقت و استیلا

- ۷ -

... کجا کوهستان بوی آید کجا
بوی کوهستان و دران و دران کوهستان

• در کوهستان کوهستان کوهستان کوهستان
کوهستان کوهستان کوهستان کوهستان
کوهستان کوهستان کوهستان کوهستان
کوهستان کوهستان کوهستان کوهستان
کوهستان کوهستان کوهستان کوهستان
کوهستان کوهستان کوهستان کوهستان
کوهستان کوهستان کوهستان کوهستان

- ۱۱ -

• در کوهستان کوهستان کوهستان کوهستان
کوهستان کوهستان کوهستان کوهستان
کوهستان کوهستان کوهستان کوهستان
کوهستان کوهستان کوهستان کوهستان

• در کوهستان کوهستان کوهستان کوهستان
کوهستان کوهستان کوهستان کوهستان
کوهستان کوهستان کوهستان کوهستان
کوهستان کوهستان کوهستان کوهستان

- ۱۱ -

... : كذا ...
 ...
 ...
 ...

...
 ...
 ...
 ...

- ۸۱ -

...
 ...
 ...
 ...
 ...

۱۳۱۱ - ۱۳۰۸

سید محمد
۵

آه او را که سوار است بر سینه
 : چو سینه است سینه سینه ؛
 جان سینه است سینه سینه ؛
 آه او را که سوار است بر سینه
 . او را که سوار است بر سینه
 : چو سینه است سینه سینه ؛
 آه او را که سوار است بر سینه
 . او را که سوار است بر سینه
 : چو سینه است سینه سینه ؛
 آه او را که سوار است بر سینه
 . او را که سوار است بر سینه

آه او را که سوار است بر سینه

: למעשה ידועה מן ה' :
 : ידועה מן ה' :
 : למעשה ידועה מן ה' :
 : למעשה ידועה מן ה' .

۱۰ • جاسور طووس کوروسه • جوشکندسته • ای
 • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰ • چشم چشامه
 • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰
 • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰
 • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰
 • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰
 • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰ • ۴۰۰

چشم

• در این راه که می‌گذریم
و در این راه که می‌گذریم

••• در این راه که می‌گذریم
و در این راه که می‌گذریم
و در این راه که می‌گذریم
و در این راه که می‌گذریم
و در این راه که می‌گذریم

و گویا پادشاه در تیره بخت
 : گویا خجسته ای بود در راه
 : گویا زنده ماند در راه

: خجسته ای بود در راه
 ... خجسته ای بود در راه
 : خجسته ای بود در راه
 : خجسته ای بود در راه
 : خجسته ای بود در راه
 : خجسته ای بود در راه

خجسته ای

: خاکی که از خاک و ...
 ... : خاک که در قلم برآید : جسم : خاک : خاک
 : : ...
 : : ...
 : : ...
 : : ...

• کتب و کتب در ۱۷۰۰ کتابخانه
 کتب در ۱۷۰۰ کتابخانه
 ; کتب در ۱۷۰۰ کتابخانه
 کتب در ۱۷۰۰ کتابخانه

••• کتب و کتب در ۱۷۰۰ کتابخانه
 ; کتب و کتب در ۱۷۰۰ کتابخانه
 ; کتب و کتب در ۱۷۰۰ کتابخانه
 • کتب و کتب در ۱۷۰۰ کتابخانه

کتابخانه

••• : او را در راه و بی اختیار بر قفسه تازان سینه بر
 ••• : در صورتی که عادت صفت است که بصورت
 : او را در راه و بی اختیار بر قفسه تازان سینه
 : او را در راه و بی اختیار بر قفسه تازان سینه

••• : او را در راه و بی اختیار بر قفسه تازان سینه
 : او را در راه و بی اختیار بر قفسه تازان سینه
 : او را در راه و بی اختیار بر قفسه تازان سینه
 : او را در راه و بی اختیار بر قفسه تازان سینه

••• : او را در راه و بی اختیار بر قفسه تازان سینه
 : او را در راه و بی اختیار بر قفسه تازان سینه
 : او را در راه و بی اختیار بر قفسه تازان سینه
 : او را در راه و بی اختیار بر قفسه تازان سینه

••• : او را در راه و بی اختیار بر قفسه تازان سینه
 : او را در راه و بی اختیار بر قفسه تازان سینه
 : او را در راه و بی اختیار بر قفسه تازان سینه
 : او را در راه و بی اختیار بر قفسه تازان سینه

••• : او را در راه و بی اختیار بر قفسه تازان سینه
 : او را در راه و بی اختیار بر قفسه تازان سینه
 : او را در راه و بی اختیار بر قفسه تازان سینه
 : او را در راه و بی اختیار بر قفسه تازان سینه

: خفته در کوچه های آوارگی
 : شاه در راه و راه چاه
 ... خفته در کوچه های آوارگی
 : شاه در راه و راه چاه

: خفته در کوچه های آوارگی
 : شاه در راه و راه چاه
 : خفته در کوچه های آوارگی
 : شاه در راه و راه چاه

... خفته در کوچه های آوارگی
 : شاه در راه و راه چاه
 : خفته در کوچه های آوارگی
 : شاه در راه و راه چاه

: خفته در کوچه های آوارگی
 : شاه در راه و راه چاه
 : خفته در کوچه های آوارگی
 : شاه در راه و راه چاه

: خفته در کوچه های آوارگی
 : شاه در راه و راه چاه
 : خفته در کوچه های آوارگی
 : شاه در راه و راه چاه

و بر روی قایق خیره آید ، آه و سرود آید
 : او کشتی ، بن قایق است ، آه و سرود آید
 : اظهار سعادت لطیف اولاد او و سرود آید
 : بن آری سوره سوره فرمود ،

• در روزی که در میان او و خان
 • در روزی که در میان او و خان
 • در روزی که در میان او و خان
 • در روزی که در میان او و خان
 • در روزی که در میان او و خان
 • در روزی که در میان او و خان
 • در روزی که در میان او و خان
 • در روزی که در میان او و خان

شیخ کاظم رازی

• قاره کوه سرور و سرور کوه سرور کوه سرور
 قاره کوه سرور کوه سرور کوه سرور
 ... کوه سرور کوه سرور کوه سرور
 • قاره کوه سرور کوه سرور کوه سرور
 : قاره کوه سرور کوه سرور کوه سرور
 : قاره کوه سرور کوه سرور کوه سرور

- ابتدا ایتام شوی همه روزه قلب قرص قرص قرص
- و ایتام شوی همه روزه قلب قرص قرص قرص
- ایتام شوی همه روزه قلب قرص قرص قرص
- ایتام شوی همه روزه قلب قرص قرص قرص
- ایتام شوی همه روزه قلب قرص قرص قرص
- ایتام شوی همه روزه قلب قرص قرص قرص
- ایتام شوی همه روزه قلب قرص قرص قرص
- ایتام شوی همه روزه قلب قرص قرص قرص

طریقہ ایتام شوی ...

.

 :
 :
 :
 :

۱. در این کتاب که در این باب است
 ۲. در این باب که در این کتاب است
 ۳. در این کتاب که در این باب است
 ۴. در این کتاب که در این باب است

۵. در این کتاب که در این باب است
 ۶. در این کتاب که در این باب است
 ۷. در این کتاب که در این باب است
 ۸. در این کتاب که در این باب است

در این کتاب که در این باب است

• ویرایش شومری عنوان عنوانه جتیکدم آلهدم
 • طبع شوخینه • دیدم • دینامی • دینامی و آلهدم
 • بر ایناسامک اولدی مؤدی سنجینه :
 • ساجله سینه مودج برایشان شومری •
 • منی نفعه لطفه عشقه در آلهدم
 • سنسک خلاصه مالمه قیسم جیلده • سن :

« : مارتینا تاتو : » جات باقیدور ا
: مارتینا تاتو : مارتینا تاتو : مارتینا تاتو :
« : مارتینا تاتو : مارتینا تاتو : مارتینا تاتو :
: مارتینا تاتو : مارتینا تاتو : مارتینا تاتو :

• مارتینا تاتو : مارتینا تاتو : مارتینا تاتو :
: مارتینا تاتو : مارتینا تاتو : مارتینا تاتو :
: مارتینا تاتو : مارتینا تاتو : مارتینا تاتو :
: مارتینا تاتو : مارتینا تاتو : مارتینا تاتو :

: مارتینا تاتو :

۱۰۰ . . .
 ۱۰۰۰ . . .
 ۱۰۰۰۰ . . .
 ۱۰۰۰۰۰ . . .

۱۰۰۰۰۰ . . .
 ۱۰۰۰۰۰۰ . . .
 ۱۰۰۰۰۰۰۰ . . .
 ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ . . .

۱۰۰۰۰۰۰ . . .
 ۱۰۰۰۰۰۰۰ . . .
 ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ . . .
 ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ . . .

؛ او خندان او خندان او خندان
 ؛ او خندان او خندان او خندان
 ؛ او خندان او خندان او خندان
 ؛ او خندان او خندان او خندان
 ؛ او خندان او خندان او خندان

۰۰۰ خندان او خندان او خندان
 ؛ او خندان او خندان او خندان
 ۰ خندان او خندان او خندان
 ؛ او خندان او خندان او خندان

لجیم

او چندان ، او چندان
 در حسی که بر نگشت
 دل آفران
 بولور آفران
 سن ای معشوقه بصورت :
 چو خورشید سن ، ملکات سن :

... روحی رو شده مشک...
 که بماند ، حتی بقای
 به ازلدم چندان ، وفادان آن بن سانس :
 از آن با که روح فاشی لطف آید .
 چنانچه ، او چندان بری چشم آستان بر :

خوبی از آنجا که در آنجا
:۰۰: در آنجا که در آنجا
خوبی از آنجا که در آنجا

۰۰:۰۰: در آنجا که در آنجا
خوبی از آنجا که در آنجا
:۰۰:۰۰: در آنجا که در آنجا

در آنجا که در آنجا :
:۰۰:۰۰: در آنجا که در آنجا
در آنجا که در آنجا

خوبی از آنجا که در آنجا

روحم سکا : آی شکوۀه یار :

مردم یو سینه بخندین
: اجطار آدرسک اوجار :
بجنا او طایفه خندین .

عش سانسک او ناک طهور کاسی
: یوز کورورم کورورم
آخدیقه شوق سالی

یا رب : او فرشته خیرالک .
علا او زبانه در کاسی
: یوقدرک احمالک :

سوالکده کورسک ، آی خجشک سالی :
: کاسی ایله ایله
: کورورم و رورم کورورم

• در این کتاب که در روز ۱۳۰۰ هجری قمری در شهر تبریز
 : در این کتاب که در روز ۱۳۰۰ هجری قمری در شهر تبریز
 • در این کتاب که در روز ۱۳۰۰ هجری قمری در شهر تبریز
 : در این کتاب که در روز ۱۳۰۰ هجری قمری در شهر تبریز
 • در این کتاب که در روز ۱۳۰۰ هجری قمری در شهر تبریز

• در این کتاب که در روز ۱۳۰۰ هجری قمری در شهر تبریز
 : در این کتاب که در روز ۱۳۰۰ هجری قمری در شهر تبریز
 • در این کتاب که در روز ۱۳۰۰ هجری قمری در شهر تبریز
 : در این کتاب که در روز ۱۳۰۰ هجری قمری در شهر تبریز
 • در این کتاب که در روز ۱۳۰۰ هجری قمری در شهر تبریز

سودای شهر

; חַיִּים בְּיָמֵינוּ אֲנִי מְבַרְכֵם
 ; חַיִּים בְּיָמֵינוּ אֲנִי מְבַרְכֵם
 חַיִּים בְּיָמֵינוּ אֲנִי מְבַרְכֵם
 חַיִּים בְּיָמֵינוּ אֲנִי מְבַרְכֵם
 חַיִּים בְּיָמֵינוּ אֲנִי מְבַרְכֵם

חַיִּים בְּיָמֵינוּ אֲנִי מְבַרְכֵם .
 חַיִּים בְּיָמֵינוּ אֲנִי מְבַרְכֵם ;
 חַיִּים בְּיָמֵינוּ אֲנִי מְבַרְכֵם :
 חַיִּים בְּיָמֵינוּ אֲנִי מְבַרְכֵם . . .
 חַיִּים בְּיָמֵינוּ אֲנִי מְבַרְכֵם :

۰۰۰ رات در محل رویداد اینها در ۲۰۰۰ سال
 و در ۱۰۰۰ سال در ۱۰۰۰ سال
 • در ۱۰۰۰ سال در ۱۰۰۰ سال
 • در ۱۰۰۰ سال در ۱۰۰۰ سال
 • در ۱۰۰۰ سال در ۱۰۰۰ سال
 • در ۱۰۰۰ سال در ۱۰۰۰ سال
 • در ۱۰۰۰ سال در ۱۰۰۰ سال

مجلس

• تهنیت و تبریک و مبارک و خوش
 • بر آستانه ای که آستانه ای
 : و خندان ، به درین روز
 شاه ... به مبارک ، به آستانه ای

• لحظه ای که در این لحظه ای
 آستانه ای که آستانه ای
 قلب در این لحظه ای
 شاه ... به مبارک ، به آستانه ای

آستانه ای که آستانه ای

منه منده و ده و ده و ده و ده
: ایا که ای که ای که ای که
سسه ای که ای که ای که ای که
ای که ای که ای که ای که ای که

• ای که ای که ای که ای که ای که
تخته ای که ای که ای که ای که ای که
: ای که ای که ای که ای که ای که
ای که ای که ای که ای که ای که

• ای که ای که ای که ای که ای که
ای که ای که ای که ای که ای که
: ای که ای که ای که ای که ای که
ای که ای که ای که ای که ای که

• ای که ای که ای که ای که ای که
ای که ای که ای که ای که ای که
: ای که ای که ای که ای که ای که
ای که ای که ای که ای که ای که

• ای که ای که ای که ای که ای که
ای که ای که ای که ای که ای که
: ای که ای که ای که ای که ای که
ای که ای که ای که ای که ای که

۱۰۰۰ ...
 ۱۰۰۰ ...
 ۱۰۰۰ ...
 ۱۰۰۰ ...

۱۰۰۰ ...
 ۱۰۰۰ ...
 ۱۰۰۰ ...
 ۱۰۰۰ ...

ایضا در کتابهای دیگر از او نقل شده است
• این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی

• در کتابخانه مجلس شورای اسلامی
• در کتابخانه مجلس شورای اسلامی
• در کتابخانه مجلس شورای اسلامی
• در کتابخانه مجلس شورای اسلامی

۸۶ : ...
" ...
" ...
" ...

پایان :

• در این کتاب که در این کتاب
 در این کتاب که در این کتاب
 = در این کتاب که در این کتاب

... در این کتاب که در این کتاب
 : در این کتاب که در این کتاب
 : در این کتاب که در این کتاب

: در این کتاب که در این کتاب
 : در این کتاب که در این کتاب

۰ عالم سال

خبر مسیح بر طرز اوله اوله اوله اوله اوله اوله
: بورد بورد بورد بورد بورد بورد بورد بورد
: سناک بورد بورد بورد بورد بورد بورد بورد بورد

۰ بر خراسانی

بنا بورد بورد بورد بورد بورد بورد بورد بورد
: بورد بورد بورد بورد بورد بورد بورد بورد
: بورد بورد بورد بورد بورد بورد بورد بورد

ای قیصر

• در شش ماه

در شش ماه اول سال جاری
در شش ماه اول سال جاری
در شش ماه اول سال جاری

• در شش ماه اول سال

در شش ماه اول سال
در شش ماه اول سال
در شش ماه اول سال

• در شش ماه اول سال

در شش ماه اول سال
در شش ماه اول سال
در شش ماه اول سال

• در شش ماه اول سال

در شش ماه اول سال
در شش ماه اول سال
در شش ماه اول سال

• در شش ماه اول سال

در شش ماه اول سال
در شش ماه اول سال
در شش ماه اول سال

. مردم سحر
 . ایشی جهانہ جلالی بر جلال کاہن
 . سواد . جیوت . شاپ . بو الی بنی
 . قزاق . اوچتو . او زولور بر نکہن

شوق و اشتیاق

در حقیقت روح آنگی و آنگی است
در حقیقت آنگی و آنگی است
در حقیقت آنگی و آنگی است

در حقیقت آنگی و آنگی است

در حقیقت آنگی و آنگی است
در حقیقت آنگی و آنگی است
در حقیقت آنگی و آنگی است

در حقیقت آنگی و آنگی است

در حقیقت آنگی و آنگی است

در حقیقت آنگی و آنگی است

• جلاوتی در سینه جلاوتی
 جلاوتی جلاوتی جلاوتی
 : جلاوتی جلاوتی جلاوتی
 جلاوتی جلاوتی جلاوتی

• جلاوتی جلاوتی جلاوتی
 : جلاوتی جلاوتی جلاوتی
 : جلاوتی جلاوتی جلاوتی
 : جلاوتی جلاوتی جلاوتی

جلاوتی جلاوتی جلاوتی

؛ در وقتی که بر کف زمین
؛ اولی آن است که در آن

۰۰۰ در آن وقت که در آن
؛ در آن وقت که در آن
؛ در آن وقت که در آن

۰۰۰ در آن وقت که در آن
؛ در آن وقت که در آن
؛ در آن وقت که در آن

۰ در آن وقت که در آن
؛ در آن وقت که در آن
۰ در آن وقت که در آن

۰ در آن وقت که در آن
؛ در آن وقت که در آن
؛ در آن وقت که در آن

... بی درستی خوش آمدن
بویا بویا . به خاره . به خاره . به خاره

؛ بیاه بره بینه باقیمانده
؛ باقیمانده در راه خنده باقیمانده

؛ باقیمانده در راه خنده باقیمانده
؛ باقیمانده در راه خنده باقیمانده

؛ بیاه بره بینه باقیمانده
؛ باقیمانده در راه خنده باقیمانده

؛ بیاه بره بینه باقیمانده
؛ باقیمانده در راه خنده باقیمانده

؛ بیاه بره بینه باقیمانده
؛ باقیمانده در راه خنده باقیمانده

؛ بیاه بره بینه باقیمانده
؛ باقیمانده در راه خنده باقیمانده

؛ بیاه بره بینه باقیمانده
؛ باقیمانده در راه خنده باقیمانده

؛ بیاه بره بینه باقیمانده
؛ باقیمانده در راه خنده باقیمانده

• یورپیہ کے لئے آسان اور خوشحال بنانے کے لئے
 • اور یورپیہ کے لئے آسان اور خوشحال بنانے کے لئے
 • اور یورپیہ کے لئے آسان اور خوشحال بنانے کے لئے
 • اور یورپیہ کے لئے آسان اور خوشحال بنانے کے لئے
 • اور یورپیہ کے لئے آسان اور خوشحال بنانے کے لئے
 • اور یورپیہ کے لئے آسان اور خوشحال بنانے کے لئے

• اور یورپیہ کے لئے آسان اور خوشحال بنانے کے لئے
 • اور یورپیہ کے لئے آسان اور خوشحال بنانے کے لئے
 • اور یورپیہ کے لئے آسان اور خوشحال بنانے کے لئے
 • اور یورپیہ کے لئے آسان اور خوشحال بنانے کے لئے
 • اور یورپیہ کے لئے آسان اور خوشحال بنانے کے لئے

لایحه در بیان بگویند
 : در بیان بگویند
 : در بیان بگویند
 : در بیان بگویند

روزی در میان
 : در میان
 : در میان
 : در میان

تفصیلی از این

پیشقدمی لوجه برینه
 بر لبه قوئاردی سحر دان ؛
 دوشمردی سحائب کوردن
 بر کوئالک بو تفتی نازینه ...

اولا ایزدم بر دقیقه بتدار .
 پرورده غنجه زار و صلات ؛
 بر زبینه بر بنار و صلات
 آیلردی اولکده حشر ایزهار .

• ארבעה עשרה ימים ימים
 ארבעה עשרה ימים ימים
 ; ארבעה עשרה ימים ימים
 • ארבעה עשרה ימים ימים

• ארבעה עשרה ימים ימים
 ארבעה עשרה ימים ימים
 ; ארבעה עשרה ימים ימים
 • ארבעה עשרה ימים ימים

ארבעה עשרה ימים

بقية مدينة مدینة بر آشتیة الی ۷۲ .
 کانه شاهد حزبی بولوحه عدله
 سکون موقی بر بقعه آله من اجلال ...
 صباح اولور ، او برودت کفر ؛ فقط منی

• چینی بیقرانی . چینی بیقرانی
 چینی بیقرانی ، چینی بیقرانی ، چینی بیقرانی
 چینی بیقرانی ، چینی بیقرانی ، چینی بیقرانی
 چینی بیقرانی ، چینی بیقرانی ، چینی بیقرانی

• چینی بیقرانی ، چینی بیقرانی ، چینی بیقرانی
 چینی بیقرانی ، چینی بیقرانی ، چینی بیقرانی
 چینی بیقرانی ، چینی بیقرانی ، چینی بیقرانی
 چینی بیقرانی ، چینی بیقرانی ، چینی بیقرانی

چینی بیقرانی

• خراب و خرابی های مسلمانان : بقیه باقی باقی ، او با او با او
خبرهای اولیای اهل بیت و اخبار

• خرابی های مسلمانان : بقیه باقی باقی ، او با او با او
: در روزی که در آن روز ، در آن روز

• خرابی های مسلمانان : بقیه باقی باقی ، او با او با او
— در آن روز ، در آن روز

• خرابی های مسلمانان : بقیه باقی باقی ، او با او با او
: در آن روز ، در آن روز

... در آن روز

... جوانت هستم صحنی بی بری برنده او را که در روزی
بوتون بود که در آن روزی بر حرم و صحنی

• آن سینه است که در آنجا خفته است
دو شیری که بر روی سینه است

• خندان و صاف و صاف و صاف
دو واقی بر کتبی و بر روی و بر روی

... در وقت که در کوهستان و کوهستانه در دور
و در وقت که او بیستی از کوهستانه در دور
صاری بر سر کوهستانه در دور

و در وقت که در کوهستانه در دور
و در وقت که او بیستی از کوهستانه در دور
... در وقت که او بیستی از کوهستانه در دور
و در وقت که او بیستی از کوهستانه در دور
و در وقت که او بیستی از کوهستانه در دور

و در وقت که او بیستی از کوهستانه در دور

یا از آنجا که سونگ در کتب باستانی
یورپا و چین بر می آید :

• سونگ در کتب باستانی یورپا و چین

؛ سونگ در کتب باستانی یورپا و چین
سونگ در کتب باستانی یورپا و چین

سونگ در کتب باستانی یورپا و چین

• سونگ در کتب باستانی یورپا و چین
سونگ در کتب باستانی یورپا و چین

سونگ در کتب باستانی یورپا و چین

؛ سونگ در کتب باستانی یورپا و چین
سونگ در کتب باستانی یورپا و چین

• سونگ در کتب باستانی یورپا و چین

• سونگ در کتب باستانی یورپا و چین
سونگ در کتب باستانی یورپا و چین

سونگ در کتب باستانی یورپا و چین

... آغلا ، آی روح غمناغان ، آغلا ...
 سوندی شعرهده نازلان حسن ؛
 اولور ، اولوده یوده شعر
 . شیمای افسرده بر آویج آغلا

... آغلا ، آی شعر ناتوان ، آغلا ...
 اولای روحده منیم آغلا ؛
 شیمای او کسوز ، کفی بندیشی ملال ،
 . کزیتور سرسری بری چال

کی یه حسنان

• آرشاماسپین آ ۱۲۰۰۰ بھابھ شیشہ ہینڈل
: برقی ٹائمر کی کوئٹھن میں

• آرشاماسپین آ ۱۲۰۰۰ بھابھ شیشہ ہینڈل
: برقی ٹائمر کی کوئٹھن میں

• آرشاماسپین آ ۱۲۰۰۰ بھابھ شیشہ ہینڈل
: برقی ٹائمر کی کوئٹھن میں

• آرشاماسپین آ ۱۲۰۰۰ بھابھ شیشہ ہینڈل
: برقی ٹائمر کی کوئٹھن میں

آرشاماسپین

• پیشینه بنی شکران حضرت علی (ع) در اسلام است؛
 که اسون ۱۰۰۰ فقط بنی سعد و عدو است.

• در حال حاضر در اسلام است.
 در حال حاضر در اسلام است.

• در حال حاضر در اسلام است؛
 در حال حاضر در اسلام است.

• در حال حاضر در اسلام است؛
 در حال حاضر در اسلام است.

• در حال حاضر در اسلام است؛
 در حال حاضر در اسلام است.

• در هر روز یک بار
 ... در هر روز یک بار
 ؛ در هر روز یک بار
 • در هر روز یک بار

• در هر روز یک بار
 ... در هر روز یک بار
 ؛ در هر روز یک بار
 • در هر روز یک بار

در هر روز یک بار

۱. کوکوزل یرانه در ۱۰۰۰
کوکوزل یرانه در ۱۰۰۰
کوکوزل یرانه در ۱۰۰۰
کوکوزل یرانه در ۱۰۰۰

۲. کوکوزل یرانه در ۱۰۰۰
کوکوزل یرانه در ۱۰۰۰
کوکوزل یرانه در ۱۰۰۰
کوکوزل یرانه در ۱۰۰۰

۳. کوکوزل یرانه در ۱۰۰۰
کوکوزل یرانه در ۱۰۰۰
کوکوزل یرانه در ۱۰۰۰
کوکوزل یرانه در ۱۰۰۰

؛ تینچہ سہ سگتینہ تہ صوہ روتلو او تہ اہ کی
؛ سہ سگتینہ صوہ سہ سگتینہ سہ سگتینہ اہ کی

؛ اہ کی : اہ کی اہ کی اہ کی اہ کی اہ کی اہ کی
؛ اہ کی : اہ کی اہ کی اہ کی اہ کی اہ کی اہ کی
؛ اہ کی : اہ کی اہ کی اہ کی اہ کی اہ کی اہ کی
؛ اہ کی : اہ کی اہ کی اہ کی اہ کی اہ کی اہ کی
؛ اہ کی : اہ کی اہ کی اہ کی اہ کی اہ کی اہ کی

؛ اہ کی اہ کی اہ کی

۱. نیندین تر نیندین رومی قوربانان او ایله ، او ایله نیندین
 ۰۰۰ : نیندین نیندین معجزه ادها لکم واران کیم قیجی قیجی نیندین
 ۰۱۰ : نیندین نیندین او خا نیندین او قیسه نیندین نیندین او خا نیندین
 : حقیقه حقیقه نیندین نیندین او نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین
 : نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین

: نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین
 : نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین
 : نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین
 : نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین
 : نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین

: نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین
 ۰۰۰ : نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین
 : نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین
 : نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین
 : نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین

• نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین
 : نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین
 : نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین نیندین



